

# آیینه‌های تار

فصلنامه خبری، آموزشی و اطلاع‌رسانی  
ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی  
شماره چهارم - زمستان ۱۳۸۴



انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظلما، انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی (صلی الله علیه و آله) ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی من به خاطر اخلال گری، چاه طلبی، ظلم و فساد قیام نکردم بلکه به خاطر اصلاح امت جدم (ص) به پا خاستم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم عمل کنم.  
امام حسین (علیه السلام)



**مقام معظم رهبری:**  
 جوان باید در خود  
 دانایی را به وجود  
 بیاورد. دانایی، فقط  
 علم آموختن نیست؛  
 دانایی به اندیشمندی  
 هم ارتباط پیدا  
 می‌کند.

**امام خمینی (ره):**  
 اگر دانشگاه‌های ما با برنامه‌های  
 اسلامی و ملی در راه منافع کشور  
 به تعلیم و تهذیب جوانان جریان  
 داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم  
 انگلستان و پس از آن آمریکا و  
 شوروی فرو نمی‌رفت.

۰۳ ■ حرف اول

۰۷ ■ اخبار

۱۰ ■ در محضر استاد مطهری / ماهیت قیام حسین (ع)

۱۴ ■ آشنایی با ضوابط و مقررات خوابگاهی

۱۵ ■ گفت و گو با دکتر سید علی محمد سجادی

۲۴ ■ روش / جرأت‌مندی آری، انفعال خیر، پرخاشگری هرگز

۲۷ ■ چگونه اعتماد به نفس خود را افزایش دهیم؟

۳۰ ■ تاثیر مذهب اسلام در حقوق جزا و اهمیت آن

۳۴ ■ کلاسهای آمادگی آزمون کارشناسی ارشد جهاد دانشگاهی

۳۶ ■ ستاره / همت و توکل / گفت و گو با احمد خاوهی

۴۲ ■ تابلو اعلانات

۴۴ ■ شبیه باران / شهید علی اصغر زرین قدم

۴۶ ■ دانستنی‌ها / بزرگترین ربات دنیا / مهتاب غلامی

۴۷ ■ کارنامه فعالیت‌های اداره کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر در نیمسال اول ۸۵-۸۴

فصلنامه خبری، آموزشی و اطلاع‌رسانی  
 استادشاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی

**شماره چهارم - زمستان ۱۳۸۴**

صاحب امتیاز: **ستاد شاهد و ایثارگر**

مدیر مسئول: **داود طالبی**

سردبیر: **سکینه زاهدی**

مدیر هنری: **مهیار سپهری**

حروفچین: **الهام کمالی**

تلفن: ۲۲۴۰۱۰۱۶

نماین: ۲۲۴۱۱۶۳۷

E-mail: shahed83@sbu.ac.ir

www.shahed.sbu.ac.ir

همکاران این شماره

حمید سهرابی، مهتاب غلامی، مهیا مشیدی

سمانه یوسفی، امینه طاهری، اصغر محمدی اصل



## فصل اول

حجاب شرکت نموده و بدین ترتیب رفع حجاب از زنان مسلمان از طرف رئیس قدرت حکومت بگونه‌ای کاملاً رسمی اعلام گردید و در پی آمد این روز، دولت همه شعور و تلاش خویش را مصروف بی حجاب نمودن زنان مسلمان نمود.

رضا شاه، فلسفه این اقدام احمقانه را، برای محمود جم که کشف حجاب در کابینه او انجام گرفته، چنین تشریح می‌کند: «این چادر چاقچورها را چطور می‌شود از بین برد؟! دو سال است که این موضوع فکر مرا بخود مشغول داشته، از وقتی که به ترکیه رفتم و زندهای آنها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته و دوش به دوش مردها کار می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری بود بدم آمده است!»

و در ادامه، برداشت خود را از کشف حجاب ترکیه چنین تحلیل می‌نماید که «اصلاً چادر و چاقچور، دشمن ترقی و پیشرفت مردم ماست. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن نشتر زد و از بینش برد!!»

سخافت رای و عقلی که در ماورای این اظهارات سست و بی اساس مشهود است و از خود باختگی مطلق سرچشمه گرفته است، بی نیاز از هر تشریح و توضیحی است.

تهاجم فرهنگی به ارزشهای پویایی ملت‌ها بخصوص در دوپست سال اخیر همواره در راس برنامه‌های دول استعمارگر قرار دارد حتی می‌شود ادعان گرد که سرمایه گذاری قدرتهای بزرگ در زمینه برنامه‌های فرهنگی پیش از زمینه‌های نظامی آنان بوده است.

کشف حجاب خواست انگلیس و غرب بوده است. رضا خان و متفکران او عاملان اجرایی این خواست و حمیت به نام آزادی زن حکم به منع حجاب دادند و این در حالی است که یکی از نشانه‌های مرد سالاری غربیها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند؛ لذا می‌گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مرد سالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می‌خواهند مرد آزاد باشد، حتی برای التذاذ بصری؛ لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرج در مقابل مرد تشویق می‌کنند.

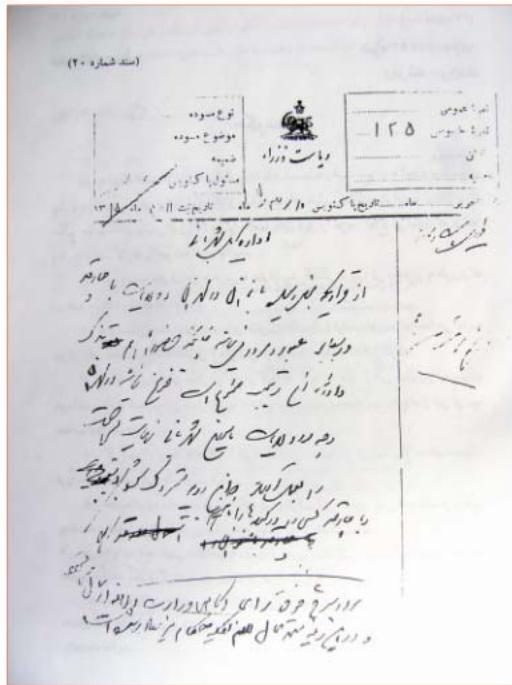
۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ شمسی سالروز صدور فرمان ننگین کشف حجاب از سوی رضا شاه بهانه این نوشتار است.

رضا خان با کودتای انگلیسی و همراهی روشنفکر متجدد مابی چون سید ضیاء الدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد، به قدرت رسید و پس از استحکام پایه‌های قدرت خود، به اجرای اهداف از پیش تعیین شده پرداخت. روشنفکران پیرامون او چون تقی زاده، حکمت، داور، فروغی و... ترقیات غرب را در چشمان او بزرگ و آن را حاصل کنار گذاردن دین و سنتهای دینی از آن جوامع قلمداد کردند و در یک سفر طولانی وی را با ترکیه و آتاتورک که قبل از وی تسلیم تحولات و تغییرات تحمیلی غرب شده بود آشنا ساختند. سوغات این سفر و حاصل آن القات، عزم رضاخان بر تغییر لباس ملی و اسلامی ملت و کنار گذاردن علماء و دین از صحنه سیاست و اجتماع بود. حجاب به عنوان «سنگر» تدین و عفاف مورد هجوم سخت تری قرار گرفت و مقاومت در این بعد بسیار زیاد بود بگونه‌ای که رضاخان مجبور شد خانواده خود را ترک حجاب کرده در مجالس حاضر کند تا دیگر مسوولان هم به او اقتدا نمایند. با این همه، حجاب که حکم صریح قرآن بود و از گذشته‌های قبل از اسلام نیز جزء آداب و رسوم ملی محسوب می‌شد، به زور سر نیزه و فشارهای طاق فرسای مزدوران رضاخان رسماً ممنوع شد.

روز ۱۷ دی سال ۱۳۱۴ شمسی که قرار بود روز جشن فارغ التحصیلی دانشسرای عالی باشد، علی اصغر حکمت، وزیر معارف وقت، به رضا شاه پیشنهاد کرد که همراه با اعضای خانواده سلطنتی بی حجاب در این مراسم شرکت جویند. رضا شاه که از قبل به علی اصغر حکمت دستور آماده سازی بی حجاب نمودن زنان مسلمان را داده بود و نیز در ماه تیر همان سال واقعه خونبار مسجد گوهرشاد اتفاق افتاده بود، این پیشنهاد را تمکین نمود و در روز موعود در دانشسرای تربیت معلم با اعضای خانواده سلطنتی بطور کاملاً بی

است و به وسیله جشنهای ۱۷ دی به دنیا اعلام شده به کلی از بین خواهد رفت...

جلوگیری بانوان با چار قد از ورود به آستان قدس ایالت خراسان به اداره شهربانی شرق، ۲۷ تیر ۱۳۵۱ ایالت خراسان، نمره ۶۷۰۷، به تاریخ ۱۳۱۵/۴/۲۵.



محرمانه

اداره شهربانی شرق، راجع به چار قد بانوان موضوع مراسله نمره ۷۴۵۴ از مذاکرات آقای میرزای ناظر اطلاعی ندارم، لیکن دستور لازم به مامورین آستان قدس صادر شده که از ورود نسوان با چار قد ممانعت نمایند.

(مهر): امضاء والی: مستوفیان

مساعده به مستخدمین دولت به منظور برداشتن چادر زنان آنها

” برای اسلام، جنس - زن بودن و مرد بودن - مطرح نیست؛ تعالی بشری مطرح است، اخلاق بشری مطرح است، بروز استعدادها مطرح است، انجام وظیفی که به هر کسی یا هر جنسی از جنسهای بشری متوجه است، مطرح است؛ که برای این باید طبعاً طبیعتها را شناخت. اسلام، طبیعت زن و طبیعت مرد را هم بخوبی می‌شناسد در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ همچنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیشترین حقایق و بیشترین واقعیتهای فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است.“

مطالعه اسناد کشف حجاب از یکسو شدت خشونت و ذالت برنامه به اصطلاح مدرنیزه کردن کشور و آزادی زنان!!! و از طرف دیگر یک مقاومت مردمی و شیوه‌هایی که برای دفاع از اعتقادات خود و عمل به حکم ضروری قرآن ”حجاب“ را به کار بسته‌اند را نشان می‌دهد.

در زیر اسنادی چند ارائه می‌شود.

بخشنامه وزیر کشور

بخشنامه وزیر کشور به کلیه استانداردها و فرمانداریه‌های

مستقل، ۱۳۱۷

وزارت کشور - بخشنامه به کلیه استانداردها و فرمانداریه‌های مستقل - ذر تعقیب بخشنامه شماره ۶۸۱۱-۸۶۰ س مورخ ۱۴ اردیبهشت سال جاری و بخشنامه‌های عدیده دیگر اشعار می‌دارد منظور وزارت کشور جلوگیری از استعمال چادر نماز و چادر مشکی و چاقچور و عمامه‌ها، و کلاههای پوست و نمدی و غیره است که اخیراً در اغلب شهرستانها شیوع پیدا کرده و اگر این سیر قهقرائی ادامه پیدا کند زحماتی که در رفع حجاب به عمل آمده و موفقیت‌هایی هم که حاصل شده



مامورین شهربانی و فرمانداری متعرض چادر زنه‌ای بیچاره که سترعورت و زندگی لباس خود را به آن می‌نمایند با کمال سختی و شدت می‌شوند، معلوم نیست این تعدی و اجحاف مطابق کدام قانون و عقل و انصاف می‌باشد اهالی شرحی به این جانب و ریاست وزارت نوشته‌اند که بعضی آنها تقدیم، مقتضی است معجلاً دستور جلوگیری داده شود که مزاحمت ننمایند. انتظار نتیجه را دارم.  
سید ابوالقاسم کاشانی امضاء



حضور محترم جناب آقای نخست وزیر دام بقائله  
(خاطر) خواطر شریف را به عریضه‌ای که در تاریخ  
مهرماه ۲۱/تجار واصناف مرکز در خصوص عملیات خلاف  
قانون و منطق حکومت مشروطه و دموکراسی پاسبانها  
نسبت به نوامیس مسلمین مرتکب می‌شدند و مجدداً

سواد تلگراف وزیر مالیه، ۲۲ دی ۱۳۱۴  
وزرات مالیه، سواد تلگراف، نمره ۴۲۶۴۴، مورخه  
۱۴۱۰/۱۰/۲۲، محرمانه.

مالیه- طبق تصمیم هیات دولت مجازیه به مامورین  
حوزه ماموریت خودتان اعم از اعضای مالیه یا اعضای  
سایر دوایر کشوری از مستخدمین جزء، مستخدمین  
رسمی دون رتبه و کنتراتی به شرح زیر مساعده دهید.  
به ماموریتی که تا دویست ریال حقوق ماهیانه دارند به  
هر یک دویست ریال و به مامورینی که از دویست ریال  
به بالا یا یک هزار ریال حقوق دارند معادل حقوق یکماه  
آنها پرداخته که از حقوق بهمن ماه به اقساط شش ماه  
مسترد دارند. این مساعده به اشخاص متاهل و به منظور  
تهیه وسایل برداشتن چادر خانم آنها داده می‌شود. باید  
مراقبت نمایند که مساعده مزبور حتماً به آن مصرف  
برسد... در برداشتن چادر باید هم قسم مساعدت  
نموده و نسبت به اعضای دوائر دولتی مراقبت نمایند. از  
دعوتهایی که از آنها می‌شود حتماً با خانمهای خود حاضر  
شده و ضمناً به اعضای مالیه تذکر دهید اگر خانمهای آنها  
در تهیه لباس قائل به زینت و تجمل شدند جهت وزارت  
مالیه موجب نگرانی و این عمل را قرینه و اماره دانسته  
نسبت به صحت عمل شوهران آنها رسیدگی خواهد  
نمود. ضمناً مراقبت شدید نمایند اعضای ادارات دولتی در  
دعوتهایی که می‌شود، با خانمهای خود بدون چادر حاضر  
شوند. هر گاه یکی از مهمترین مالیه بدون خانم و یا خانم  
با چادر حاضر شوند فوراً به موجب این حکم آن شخص را  
منتظر خدمت کرده و نتیجه را به مرکز اطلاع دهید.

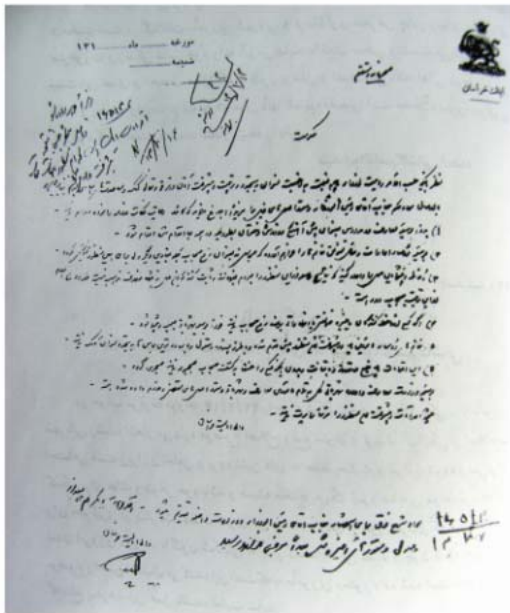
در ادامه دو سند از اعتراض علما و مراجع تقلید و تجار و  
اصناف در اهانت به حکم صریح قرآن "حجاب" ارائه می‌شود.

وزارت داخله

عجب است با این وضعیات ناهنجار مملکت که ملت از  
هر حیث دچار زحمت و شدت و محنت است در گیانات

که آنها سخت در جامعه حرکت نمایند و مزاحمی نباشد لکن اکثریت مردم از مزایای آن محروم و نتوانند ناموس خود را با داشتن قانون اساسی محفوظ بدارند که مورد حمله پاسبانها قرار نگیرند. بنا به مراتب معروضه... آداب مذهبی استداعای امر اکید و سریع بر رفع مزاحمت نوامیس اکثر جامعه را نموده و باز تکرار می‌نماییم غیر ممکن است حاضر شویم نوامیس ماها بلا حجاب بوده و مورد تعرض پاسبانها واقع بشوند. الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم الی آخر.

آنچه که یاد آوری آن به خود نویسنده و دیگر عزیزان مخاطب حرف اول، ضروری به نظر می‌رسد مطالعه تاریخ



سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گذشته است تا بایست آگاهی و یافتن نقاط رخته و تخریب در راه اصلاح خود و جامعه اسلامی بر اساس موازین قرآن و سنت قدم برداریم.



موجبات زحمت را فراهم می‌نمایند، تقدیم دولت سابق نمودیم، معطوف داشته - ما چند نفر امضاء کنندگان آن مشروحه ناگزیر شدیم از حقوق حقه مشروع خود استفاده نموده، بدوا سوال نماییم آزار و اذیت ناموس مردم به عنوان رفع حجاب مطابق کدام قانون است - و اگر به استناد عمل شاه سابق است بسی کارها کرده از قبیل گرفتن اموال مردم که تمام به قوه سرنیزه بوده و به تصدیق تمام، ظلم بوده - دیگر آنکه عملیات دولت سابق تمام به جای خود محفوظ، ولی امر بر عدم آزارش باید لغو بشود که پاسبانها بر خلاف وظیفه اسباب زحمت را فراهم نمایند. علاوه بر اینها این آزادی و دموکراسی از چه نظر برای عده محدودی باید قابل استفاده باشد



## آیینہ ایٹلا افزار

استاد صادق تبریزی با سبک خط نقاشی، آثاری از مرحوم استاد علی گدا عباسی با سبک نقاشی قهوه خانه‌ای و آثاری چند از مدرس هنر استاد سید رسول عاطفی سلماسی دانشجوی جانباز رشته روانشناسی این دانشگاه با سبک رئال به نمایش گذاشته شد.



نمایشگاهی از دستاوردهای داخلی و خارجی انقلاب اسلامی بخش دیگری از این نمایشگاه بود که با ارائه گزارش، آمار و ارقام پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران را از ابعاد آموزشی، تربیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... بررسی و به معرض دید بینندگان گذاشته بود.



اولین نمایشگاه بزرگان هنر ایران  
در دانشگاه شهید بهشتی

**الگوگیری نهضت‌های اسلامی**  
و آزاد بیخشی از انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی:

**بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب ...  
مسلمانان در نقاط بسیاری از جهان،  
احساس شخصیت و عزت نموده، در مقابل  
قدرتمندان و زورگویان ایستادند  
و سر فصل جدیدی در مبارزات  
ممل مسلمان بوجود آمد.**

گرامر و تقویم استاد دانشگاه شهید بهشتی  
به نظریه‌ی رسد تجربه انقلابی ایران،  
الگوی موفق برای پیروزی است.

به مناسبت تقارن دهه فجر و ماه محرم الحرام به همت اداره کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر اولین نمایشگاه بزرگان هنر نقاشی ایران به مدت چهار روز برگزار گردید.



در این نمایشگاه (که با حضور ریاست دانشگاه، معاونین، مسئولین دانشگاهی و اساتید مشاور آموزشی و غیر آموزشی و دانشجویان افتتاح شد) آثاری از



گفتنی است دانشجویان با شرکت در جلسه توجیهی و با دریافت بسته های آموزشی با خدمات و تسهیلات آموزشی، مشاوره ای و... بیشتر آشنا شدند.



هدیه فجر

به مناسبت ایام ... دهه فجر دانشجویان شاهد و ایثارگر هدیه فجر دریافت کردند هدیه‌ها برای هر نفر یک عدد

دومین مرحله اردوی معارفه دانشجویان شاهد و ایثارگر ورودی ۸۴ برگزار شد



در این اردوی ۵ روزه که مقارن با ولادت امام رضا (ع) در مشهد مقدس برگزار گردید دانشجویان ورودی جدید ضمن تشریف به آستان آن امام همام و استفاده از برنامه های معنوی دارالهدایه از اماکن تاریخی، ادبی و سیاحتی طوس (آرامگاه فردوسی بزرگ) و طرقله بازدید کردند.



نمره‌های آنان به ۱۲ نرسیده است اجازه می‌دهد طی حداکثر دو نیمسال دیگر تعدادی از دروس دوره را با پرداخت هزینه (معادل دوره‌های شبانه) برای جبران میانگین کل نمره‌های خود بگذرانند.

در این صورت چنانچه میانگین کل دانشجو به ۱۲ برسد صدور مدرک رسمی مرتبط بلامانع است در غیر این صورت دانشگاه موظف است مطابق ماده ۳۰ و تبصره آن در آیین نامه آموزشی دوره‌های کاردانی و کارشناسی با این دانشجویان رفتار کند.

### سایت کامپیوتر

آزمایشگاه کامپیوتر امور دانشجویان شاهد و ایثارگر مجهز به ۸ دستگاه و با امکان اتصال به اینترنت در طول ساعات اداری قابل استفاده دانشجویان شاهد و ایثارگر است. بنا به گزارش واحد آموزش امور ایثارگران در نیمسال اول ۸۵-۸۴، ۲۰۰ نفر دانشجو از سایت کامپیوتر استفاده کرده‌اند.

### کلاسهای تقویتی در نیمسال اول ۸۵-۸۴

بنا به گزارش واحد آموزش امور ایثارگران آمار کلاسهای تقویتی در نیمسال اول ۸۵-۸۴ به شرح زیر است:

تعداد کلاس	تعداد مدرس	تعداد دانشجویان
۱۱۵	۴۰	۱۶۰
۱۴	۵	۴۵
۱۲۹	۴۵	۲۰۵

کتاب با مضامین اخلاقی، یک بسته کاغذ کلاسور و یک عدد تی شرت بوده است.

### کسر ساعت کار موظف روزانه جانبازان انقلاب اسلامی

از سوی هیئت محترم وزیران کسر ساعت کار موظف روزانه جانبازان مطابق جدول زیر به تصویب رسید.

میزان درصد جانبازی	میزان کسر ساعت کار موظف
۲۵٪ تا ۲۹٪	۴۵ دقیقه
۳۰٪ تا ۳۹٪	۶۰ دقیقه
۴۰٪ تا ۴۹٪	۹۰ دقیقه
۵۰٪ تا ۵۹٪	۱۲۰ دقیقه
۶۰٪ تا ۶۹٪	۱۵۰ دقیقه
۷۰٪ به بالا	۲۱۰ دقیقه

### اختیارات جدید کمیسیون موارد خاص

اختیارات جدید کمیسیون موارد خاص دانشگاهها در مورد دانشجویانی که میانگین معدل کل آنها کمتر از ۱۲ و بیشتر از ده می‌باشد شورای گسترش آموزش عالی در جلسه مورخ ۸۴/۹/۵ با اختیارات زیر موافقت به عمل آورد: به کمیسیون موارد خاص دانشگاهها اختیار داده می‌شود تا به آن دسته از دانشجویان دوره‌های کاردانی، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی پیوسته که از تاریخ ۸۴/۷/۱ به بعد دانش آموخته می‌شوند و همه درسهای برنامه مصوب دوره ذی ربط را گذرانده و میانگین کل آنها حداقل ۱۰ است ولی پس از اعمال ماده ۶۵ آیین نامه آموزشی مربوط، میانگین کل

# ماهیت قیام امام حسین (ع)

دو محضر استاد مطهری

هر چند به قیمت جانش تمام شود؟ در جریان حادثه کربلا عوامل گوناگونی دخالت داشته است.<sup>۱</sup> یعنی انگیزه‌های متعددی برای امام در کار بوده است. عواملی که در کار بوده و ممکن است در این امر دخالت داشته باشد و یا دخالت داشته است:

الف: اینکه امام یگانه شخصیت لایق و منصوص و وارث خلافت و دارای مقام معنوی امامت بود. در این جهت فرقی میان امام و پدرش و برادرش نبود، همچنانکه فرقی میان حکومت یزد و معاویه و خلفای سه گانه نبود. این جهت به تنهایی وظیفه‌ای ایجاب نمی‌کند. اگر مردم اصلحیت را تشخیص دادند و بیعت کردند و در حقیقت با بیعت صلاحیت و آمادگی خود را برای قبول زمامداری این امام اعلام کردند او هم قبول می‌کند. اما مادامی که مردم آمادگی دارند از طرفی، و از طرف دیگر اوضاع و احوال بر طبق مصالح مسلمین می‌گردد، به حکم این دو عامل، وظیفه امام مخالفت نیست بلکه همکاری و همگامی است همچنانکه امیر (ع) چنین کرد، در مشورت‌های سیاسی و قضائی شرکت می‌کرد و به نماز جماعت حاضر می‌شد خودش فرمود: «حقاشما می‌دانید که من از همه مردم به خلافت شایسته ترم به خدا سوگند تا زمانی که امور مسلمین به سلامت باشد و جز به شخص من ستم نشود راه مسالمت می‌پویم»<sup>۲</sup> در قضیه کربلا این عامل به تنهایی دخالت نداشته است این عامل را به ضمیمه عامل سوم که دعوت اهل کوفه است باید در نظر بگیریم چون عامل دعوت مردم، برای به دست گرفتن حکومت بود نه چیز دیگر. پس این عامل، عامل جداگانه نیست و باید در ضمن آن عامل ذکر شود.

بحث در این است که حادثه عاشورا چه نوع حادثه‌ای است و از چه مقوله است؟ آیا از نظر اجتماعی یک انفجار بدون هدف بود مانند بسیاری از انفجارها که در اثر فشار ظلم و تشدید سختگیریها رخ می‌دهد و احیاناً به وضع موجود کمک می‌کند، و یا یک تصمیم آگاهانه و هوشیارانه نسبت به اوضاع و احوال موجود و نسبت به آثار و نتایج این حرکت بود؟ و در صورت دوم آیا یک قیام و نهضت و انقلاب مقدس بود یا یک دفاع شرافتمندانه مقدس؟ یعنی آیا هجوم بود یا دفاع؟ آیا کاری بود که از طرف امام شروع شد و حکومت وقت می‌خواست آن را سرکوب کند، و یا او از طرف حکومت وقت مورد تجاوز قرار گرفت و او به جای سکوت و تسلیم، شرافتمندانه از خود دفاع کرد؟ به عبارت دیگر آیا چیزی از سنخ تقوا در جامعه بود و مظهر یک تقوای بزرگ در حد دادن جان بود، یا مظهر یک احسان و عصیان و قیام مقدس؟ آیا از نوع حفظ و اثبات خود بود یا از نوع نفی و انکار جبهه مخالف.<sup>۱</sup>

بنا بر فرض اول ناچار اهدافی داشت اجتماعی و اصولی؛ و بنا بر فرض دوم هدفش جز حفظ شرف و حیثیت انسانی خود نبود؛ و بنابر اینکه از نوع انقلاب و قیام ابتدایی بود آیا مبنای این انقلاب صرفاً دعوت مردم کوفه بود که اگر مردم کوفه دعوت نمی‌کردند قیام نمی‌کرد (و قهراً پس از اطلاع از عقب نشینی مردم کوفه در صدد کنار آمدن و سکوت بود) یا مبنای دیگر جز دعوت مردم کوفه داشت و فرضاً مردم کوفه دعوت نمی‌کردند او در صدد اعتراض و مخالفت بود



این وظیفه را با خروج از کشور، یا متحصن شدن به شب جبال (آنچنان که ابن عباس پیشنهاد کرد) و یا با مخفی شدن هم می‌توانست انجام دهد به عبارت دیگر روش و متد امام از این نظر جز زیر بار نرفتن به هر شکل ولو به خروج از مرز و تا سر حد امکانات برای به دست گرفتن حکومت نیست و محدود به کشته نشدن هم نیست ولی هیچ وظیفه‌ای مثبت از قبیل توسعه انقلاب و گسترش دعوت و غیره را ایجاب نمی‌کند، جلوگیری از خونریزی دیگران لازم می‌شود. از این نظر امام فقط باید بگوید نه.

در آن زمان بیعت امام قطعاً جدی و از روی رضا تلقی می‌شد و واقعاً صحنه گذاشتن به خلافت یزید بود. قرائنی در دست است که امام به هیچ وجه حاضر به بیعت نبود.

#### اما موضوع امر به معروف و نهی از منکر

در اینجا باید اوضاع خاصی را که در زمان معاویه و در اثر خلافت یزید پیدا شده بود در نظر گرفت:

الف: خود موضوع خلافت موروثی که جامه عمل پوشیدن به آرزوی دیرین ابوسفیان بود که گفت: «خلافت را چون توپ به یکدیگر پاس دهید و آن را نزد اولاد خود به ارث نهدید. هان سوگند به آنکه ابوسفیان به او سوگند می‌خورد نه بهشتی در کار است و نه دوزخی»

امام در زمان خود معاویه به این امر و به کارهای معاویه معترض بود و حتی در یک نامه به معاویه نوشت: "من می‌ترسم در نزد خدا از اینکه علیه تو قیام نمی‌کنم مسئول باشم". امام در زمان معاویه اقداماتی می‌کرد که معلوم بود قصد شورش دارد.

در اینجا یک مطلب هست و آن اینکه این گونه قیامها بلکه مطلق امر به معروف‌ها و نهی از منکرها یک وظیفه تعبدی نیست که ما هر وقت منکری را دیدیم نهی کنیم و بر ما نباشد که به نتیجه و اثر کار توجه داشته باشیم، بلکه احتمال اثر یا اطمینان به نتیجه لازم است، یعنی این کار از نوع کارهایی است که بر

ب: از امام بیعت می‌خواستند و در این کار رخصتی نبود یزید نوشت «بیعتی که امام حسین را بدان مکلف می‌کردند تصویب و لا یتعهد، بود با بیعت علی (ع) و ائمه دیگر که تسلیم اکثریت خاطی بود فرق داشت. ج: مردم کوفه پس از امتناع امام از بیعت او را دعوت کردند و آمادگی خود را برای کمک او و به دست گرفتن خلافت و زعامت اعلام کردند، نامه‌های پی در پی آمد، قاصد امام هم آمادگی مردم را تایید کرد.

د: اصلی است در اسلام به نام «امر به معروف و نهی از منکر» مخصوصاً در موردی که کار از حدود مسائل جزئی تجاوز کند، تحلیل حرام و تحریم حلال بشود. بدعت پیدا شود، حقوق عمومی پایمال شود، ظلم زیاد بشود امام مکرر به این اصل استناد کرده است در یک جا فرمود: «بعدها منکراتی که موجب نهی از منکر و قیام شد شرح داده خواهد شد، ولی جمله «و اسیر بسیره جدی و ابی» با توجه به آنچه در آن ایام به نام «سیره شیخین» مطرح بوده که علی و خاندانش آنرا قبول نداشته اند، عطف به انحرافات هم که از زمان شیخین شروع شده هست؛ از قبیل تقسیم (بیت المال) به غیر سویه، و از قبیل تحقیر نماز به عنوان خیر العمل، و از قبیل مطلق اجتهادی‌های (به اصطلاح) روشنفکرانه عمر. دو جریان انحرافی وجود یافت یکی عمری و دیگر عبدالله عمری. انحراف عمری، اقبال به جهاد منهای عبادت یعنی سنگین کردن کفه برونگرایی و عملی عینی و سبک کردن کفه معنوی بود. انحراف عبدالله عمری، بر عکس، سنگین کردن کفه عبادت و تحقیر کارهای سخت دنیایی و جهادی بود که در نتیجه نه جهاد، جهاد بود و نه نماز، نماز. اما امام حسین در شب عاشورا: «لهم دوی کدوی النحل» و در روز عاشورا: «ذکرت الصلاة جعلك الله من المصلین»

#### اما عامل بیعت

امام حاضر بود که کشته شود و به هیچ وجه حاضر به بیعت نبود وظیفه امام از این نظر فقط امتناع بود

اما بعد، سپاس خدایی راست که پشت دشمن جبار و گردنکش تو را شکست، همان دشمنی که بر این امت شورید و زمام حکومتش را ربود، و دارایی اش را غصب کرد، و بدون رضایتشان بر آنها فرمانروایی کرد، سپس خوبانشان را کشت، و اشرارشان را باقی داشت، و اموال خدا را میان گردنکشان و ثروتمندانشان دست به دست گردانید. از رحمت خدا دور باشد چنانکه قوم ثمود دور شدند. راستی که ما رهبر نداریم، به سوی ما بشتاب، امید آنکه خداوند ما را به دست شما گرد حق جمع آورد.

امام هم در جواب آنها ضمن ابلاغی که به نام مسلم صادر می‌کند می‌نویسد: "من برادر و عمو زاده و شخص مورد اطمینان خود از میان خاندانم را به سوی شما گسیل داشتم... و به جان خودم سوگند که مقام رهبری را نسزد مگر آن کس که عامل به کتاب خدا و قائم به دادگری و حاکم و عامل به دین خدا باشد."

در این نامه تز امام راجع به حاکم و حکومت مشخص می‌شود، و نشان می‌دهد عنایت امام را به مساله رهبری در درجه اول، و اینکه بزرگترین منکر خود یزید است و پستی که اشغال کرده است.

وضع امام از این جهت عینا وضع پدرش علی (ع) است بعد از کشته شدن عثمان، آن حضرت اجتماع مردم را بر بیعت، اتمام حجت بر خود می‌داند با اینکه قلبا مایل نیست از باب اینکه آینده را مبهم می‌داند و فرمود: «زیرا ما با امری روبرو هستیم که چندین رنگ و چهره دارد.» و فرمود: «و اگر حضور مردم نبود و حجت خدا با وجود یاور بر من تمام نمی‌شد، ریسمان حکومت را بر کوهان شترش رها می‌ساختم، و پایان خلافت را با جام آغازش سیراب می‌کردم (کنایه از آنکه دست از اقدام و قبول می‌داشتم چنانکه در آغاز بداشتم) اتمام حجت به معنی این نیست که حجت خدای عالم السر و الخفیات بر مردم تمام شود تا هر کس که هلاک (گمراه) یا زنده (هدایت) می‌شود از

مکلف است نتیجه کار را برآورد کند، والا بی جهت نیرویی را مصرف کرده و به هدر داده است. مساله اعتقاد امام به نتیجه کارش مربوط است به آنچه قبلا گفتیم که امام از نظر عامل امر به معروف و نهی از منکر، منطقش منطق انقلابی و منطق شهید و طرفدار توسعه خونریزی و گسترش انقلاب بود، مطلبی و پیامی داشت که آن پیام را فقط می‌خواست با خون رقم کند که هرگز پاک نشود. آیا امام خود به نتیجه کار خود در نرفتن خود معتقد بود یا نه؟ بلی معتقد بود، به چند دلیل:

الف: در جواب شخصی که «زیاشی» نقل می‌کند فرمود: «اینان برای من ایجاد وحشت کرده‌اند و اینها نامه‌های دعوت کوفیان است که اکنون به قتل من کمر بسته اند، و چون دست به خون من بیالیند و حرامی را نگذارند جز اینکه مرتکب شوند، خداوند کسی را بر انگیزد تا همه را قتل عام کند»

ب: در روز عاشورا خطاب به مردم فرمود: «سپس به خدا سوگند جز زمان اندکی به اندازه زمان سوار شدن بر اسب نمانید تا اینکه این آسیاب به گردش آید و شما را در تنگنای محور خویش گیرد»

ج: در روز عاشورا خطاب به اهل بیت خود فرمود: «خود را آماده بلا کنید، و بدانید که خداوند حافظ و رهایی بخش شما از دشمنان است، و دشمنانتان را به انواع بلا کیفر خواهد داد.»

د: به عمر سعد فرمود: به خدا ملک ری نصیب تو نخواهد شد، می‌بینم که بچه‌های کوفه به سرت سنگ می‌پرانند آنطور که به درخت میوه سنگ می‌زنند.

**اما موضوع دعوت مردم کوفه**

این دعوت برای چیست؟ قطعا برای قبول زمامداری و به دست آوردن قدرت و مرکز قرار دادن کوفه بود. کوفه سربازخانه جهان اسلام بود. نامه‌ای که وجوه رجال و اشراف کوفه نوشتند، بسیار محکم و اصولی بود که در یادداشتهای «تههضت حسینی» شماره ۱۶ نقل کردیم:

مکه دستگیر شده و نزد یزید بن معاویه فرستاده شود.<sup>۲</sup>

#### پی‌نوشتها

۱- بلکه می‌توان گفت سه نوع ماهیت می‌توان فرض کرد: ماهیت تقوایی، ماهیت هجومی و قیامی، و ماهیت پاسخگویی به یک ندای مقدس، که ماهیت تعاونی دارد. امام از نظر عامل بیعت، عکس‌العمل کار بود آنهم عکس‌العمل منفی و از نظر عامل دعوت، عکس‌العمل کار بود اما عکس‌العمل مثبت و از نظر عامل امر به معروف، آغازگر بود و مهاجم.

۲- بر گرفته‌ای از یادداشت استاد شهید از کتاب حسینی جلد دوم

۳- همان‌طور که در سخنرانیهایی که در دانشکده ادبیات تهران و دانشگاه اهواز در محرم ۱۳۹۲ تحت عنوان «تحلیلی از قیام عاشورا» گفتیم، حوادث اجتماعی مانند حوادث طبیعی و مادی، شناخت آنها نیازمند به نوعی تجزیه و تحلیل به عناصر اولیه است که سازنده آن حادثه است چیزی که هست پدیده‌های مادی در یک لابراتوار قابل تجزیه و بار دیگر ترکیب است ولی پدیده‌های تاریخی را صرفاً با قدرت منطقی و در لابراتوار منطقی می‌توان تجزیه و تحلیل کرد تحلیل حادثه‌ای مانند قیام عاشورا به این است که سه نوع عنصر در آن شناخته شود: اول انگیزه‌ها یعنی عواملی که در محیط رخ داد که بالقوه می‌توانست منشا یک حرکت یا نهضت شود و یا احیاناً موجی ایجاد بکند. از لحاظ این عنصر باید عوامل محیط را از جنبه اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و غیره و جریانات خاص انسانی آن محیط را به دست آورد. عنصر دوم، عکس‌العملی که قهرمان نهضت یعنی امام حسین (ع) در حادثه عاشورا در برابر هر یک از عوامل فوق نشان داد که البته این جهت بستگی زیادی دارد به شخصیت امام و با عوض شدن جانشین شدن شخصیت دیگر، یعنی اگر شخص دیگری به جای امام می‌بود ای بسا که عکس‌العمل دیگری ابراز می‌داشت.

در این مرحله است که ما هدفهای امام را که با شخصیت معنوی او بستگی دارد، در این حادثه باید بررسی کنیم عنصر سوم، روش و متد امام است در این عکس‌العمل، که خود عکس‌العمل ماهیتش این است که امام اهداف مشخصش در برابر آن حادثه چه بوده است. پس معنی روش امام این است که مثلاً روش امام در امتناع از بیعت چه بوده و تا چه حد می‌خواست مقاومت کند و در چه حد احیاناً تسلیم می‌شد و یا اصلاً تسلیم نمی‌شد آنچنانکه از سخنان خود امام بر می‌آید؛ و روشش از نظر اجابت دعوت مردم کوفه به دست گرفتن حکومت چه بود و در چه حد بود و آیا مانند امتناع از بیعت تا آخرین قطره خون حاضر بود فدا کند یا پس از بهم خوردن وضع کوفه حاضر بود از این هدف دست بردارد که البته شق دوم صحیح است؛ و روشش از نظر عامل سوم حتی از عامل اول هم شدیدتر بود بالاتر از کشته شدن بود، در حد توسعه انقلاب و دامنه خونریزی بود در اینجا منطقی‌ش منطقی شهید بود منطقی یک نفر انقلابی بود منطقی در امتناع از بیعت، منطقی یک انسان با شرف بود و نه بیشتر، و منطقی در مقابل عامل دعوت، منطقی یک سیاستمدار ورزیده و صالح بود، و منطقی در مقابل عامل سوم منطقی شهید بود.

۴- قصص ۲۱/ و ۲۲/ پس موسی (ع) از آن دیار ترسان و نگران بیرون شد و گفت: پروردگار من! مرا از گروه ستمگران رهایی بخش. و چون به سوی مدین حرکت نمود گفت: امید آنکه پروردگار مرا به راه راست راهنما باشد.

روی دلیل باشد، بلکه تمام شدن حجت امام است بر مردم حاضر و آینده، زیرا قطعاً اگر امام زیر بار نمی‌رفت، مردم آن عصر و عصرهای آینده آن را به عنوان از دست دادن یک فرصت بسیار مناسب تشخیص می‌دادند.

در حادثه حسینی نیز قیام کوفه یک حجت تاریخی علیه امام به شمار می‌رفت و امام لازم بود که حجت خود را بر مردم در مقابل تاریخ تمام کند.

در اینجا چند مطلب است:

الف: حرکت امام از مکه به کوفه تنها به علت دعوت کوفه نبود بلکه دلایل قطعی در دست است که امام به هر حال نمی‌توانست در مکه بماند، و قرآنی از این جهت در دست است: اولاً امام عمل حج را ناتمام گذاشت. ما می‌دانیم که در حج تمتع پس از شروع عمل، اتمامش واجب است و فقط ضرورت بسیار مهمی نظیر خوف قتل سبب جواز عدم ادامه می‌شود. مگر اینکه فرض کنیم امام از اول، عمره تمتع بجا نیاورد و از اول قصد عمره مفرده کرد، چون مسلماً امام در ایام محرم شده بود و از احرام خارج شد.

ثانیاً امام حین خروج از مکه وضع خود را تشبیه می‌کند به وضع موسی بن عمران در وقتی که از مصر خارج شد و صحرای سینار را به طرف مشرق طی می‌کرد و به طرف فلسطین می‌آمد، زیرا امام این آیه را می‌خواند: «فخرج منها خائفاً يترقب، قال رب نجني من القوم الظالمين ❖ و لما توجه تلقاء مدين قال عسى ربي ان يهديني سواء السبيل»<sup>۴</sup>

این جریان موسی بعد از آن بود که به او اطلاع رسید: سران قوم جلسه کرده و تصمیم دارند که تو را بکشند، پس بگریز که من خیر خواه توام. ثالثاً امام در جواب «بوهرة ازدی» فرمود: «بنی امیه مالم را گرفتند صبر کردم، به آبرویم لطمه زدند صبر کردم، و خواستند خونم را بریزند پس گریختم». در جواب «فرزدق» فرمود: «اگر شتاب نکنم دستگیر می‌شوم» شیخ مفید می‌گوید: «و نتوانست حج خود را به پایان رساند مبادا در



# آشنایی با ضوابط و مقررات خوابگاهی

نحوه باز پرداخت اجاره بهای خوابگاه نیمسال تمدید شده مشابه سایر نیمسال‌های عادی خواهد بود.



میزان اجاره بهای خوابگاه مجردین

نوع اتاق	مبلغ ماهانه (ریال)
اتاقهای ۱ و ۲ نفره	۱۲۰۰۰۰
اتاقهای ۳ و ۴ نفره	۹۶۰۰۰
اتاقهای ۵ و ۶ نفره	۸۴۰۰۰
اتاقهای ۷ و ۸ نفره	۷۲۰۰۰
اتاقهای ۹ نفره	۶۰۰۰۰
اتاقهای بیش از ۹ نفر	۴۲۰۰۰

میزان اجاره بهای خوابگاه متاهلین

- ۱ - خوابگاه متاهلی مستقل و با امکانات اختصاصی معادل ۱۰۰ درصد وام مسکن، ماهانه ۲۵۰۰۰۰ ریال
  - ۲ - خوابگاه متاهلی غیر مستقل و با امکانات مشترک معادل ۷۰ درصد وام مسکن، ماهانه ۱۷۵۰۰۰ ریال
- دانشجویانی که در پایان هر نیمسال تحصیلی حداکثر تا شروع نیمسال بعدی اجاره بهای خوابگاه خود را واریز نمایند از ۲۵ درصد تخفیف و چنانچه در پایان تحصیل حداکثر تا ۹ ماه قبل از صدور دفترچه اقساط بدهی خوابگاه خود را واریز نمایند مشمول ۱۵ درصد تخفیف می‌گردند.

بر اساس ضوابط و دستور العمل‌های اجرائی، دانشجویانی می‌توانند از خوابگاه‌های دانشجویی بهره‌مند شوند که از هیچگونه کمک موسسات دیگر و یا وام مسکن صندوق رفاه دانشجویان استفاده ننمایند.

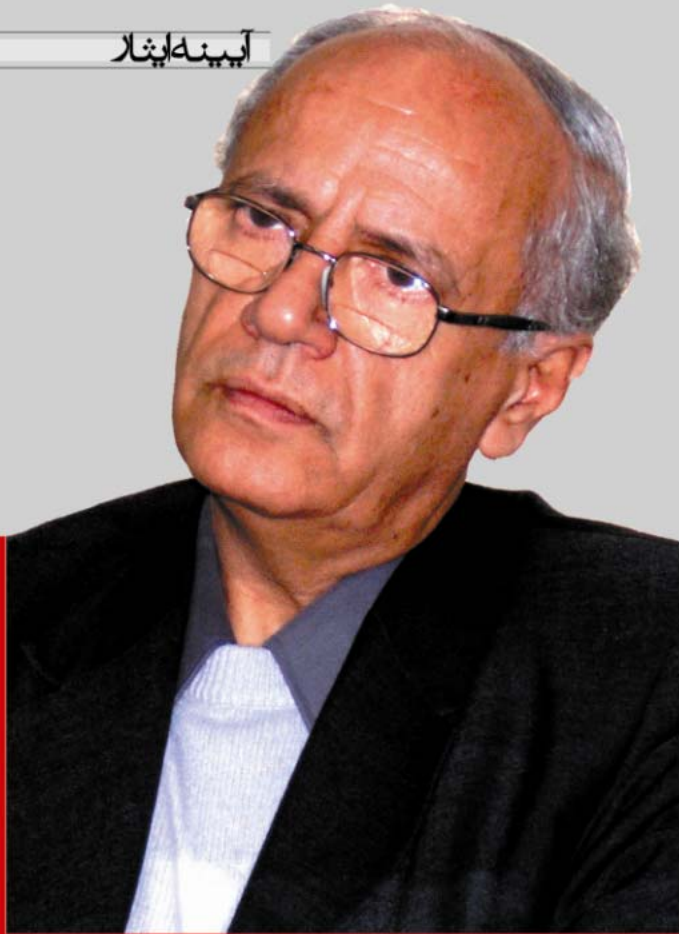
انتخاب دانشجویی واجد شرایط بر اساس آئین نامه مربوط به عهده امور دانشجویی دانشگاه خواهد بود. دانشجویان متقاضی موظفند در اولین نیمسال تحصیلی استفاده از خوابگاه و فقط یک بار در طول تحصیل در یک مقطع مبلغ ۱۵۰۰۰۰ ریال برای خوابگاه مجردی و ۲۵۰۰۰۰ ریال برای خوابگاه متاهلی به عنوان پیش پرداخت به حساب ۲۰۱۱۱۴ نزد بانک ملی ایران شعبه مرکزی به نام صندوق رفاه دانشجویان واریز و فیش آن را به امور دانشجویی دانشگاه تحویل دهند.

مدت زمان مجاز استفاده از خوابگاه‌های دانشجویی

- دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته حداکثر ۴ نیمسال
- دوره کارشناسی پیوسته و دکترای تخصصی حداکثر ۸ نیمسال

- چنانچه دانشجو در دوره‌ای از تحصیل از خوابگاه دانشجویی استفاده نکند به نسبت باقیمانده دوره تا سقف تعیین شده می‌تواند از خوابگاه دانشجویی برخوردار شود.

- دانشجویانی که به دلایل خاص، تحصیلشان طولانی می‌شود با تأیید معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه یک نیمسال دیگر نیز مجاز به استفاده از خوابگاه دانشجویی می‌باشند.



**گفت و گو با دکتر سیدعلی محمد سجادی**  
استاد مشاور دانشجویان شاهد و ایثارگر

دکتر سیدعلی محمد سجادی دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران که هم‌اکنون معاونت آموزشی دانشکده ادبیات را بر عهده دارند سالیان متمادی است که به عنوان استاد مشاور آموزشی با ستاد همکاری دارند، از استاد بزرگوار که در کمال سادگی و بزرگواری ما را به حضور پذیرفته اند، متشکریم. آنچه در پی می‌خوانید حاصل گفتگوی ما با استاد است. از دکتر سیدعلی محمد سجادی که در کمال تواضع مصاحبه را پذیرفتند متشکریم.

پوشش بیمه حوادث دانشجویی برای تمام دانشجویان\* با توجه به امکان بروز هر گونه حادثه در طول سال تحصیلی برای دانشجویان و حساسیت و حیاتی بودن موضوع بیمه حوادث دانشجویان، صندوق رفاه دانشجویان با عقد تفاهم نامه با شرکت‌های بیمه ایران، دانا و کار آفرین این امکان را فراهم ساخته تا دانشگاهها با عقد قرار داد با یکی از شرکت‌های بیمه مذکور نسبت به بیمه حوادث اجباری کلیه دانشجویان اقدام نمایند. هر دانشجو با پرداخت حق بیمه سالانه ۴۰۰۰ ریال، در طول شبانه روز در داخل یا خارج از کشور در برابر پیشامدهای ناگهانی که منجر به فوت یا صدمه بدنی گردد بیمه بوده و در صورت حوادث احتمالی طبق جدول زیر غرامت دریافت می‌نماید.

سقف مبلغ غرامت بر حسب ریال	صدمات ناشی از حوادث مشمول بیمه‌ی
۱۰۰۰۰۰۰	فوت
۶۰۰۰۰۰	نقص عضو کامل دائم
۶۰۰۰۰۰	نقص عضو جزئی دائم
۳۰۰۰۰۰	هزینه‌های پزشکی اعم از سرپائی بیمارستانی و معالجات مسمومیت‌ها

لازم است دانشجویان عزیز با مراجعه به اداره رفاه دانشجویی دانشگاه یا دانشکده مربوط نسبت به دریافت کارت بیمه حوادث خود اقدام نموده و در هنگام نیاز از تسهیلات آن بهره مند شوند.

\* بر گرفته‌ای از ماهنامه رفاه دانشجو وابسته به صندوق رفاه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



### ■ لطفا ضمن معرفی خودتان از سابقه همکاری خود با استاد بفرمائید؟

از سرکار و گروه امور ایثارگران سپاسگزارم و از خدا هم شاکرم که این توفیق را به من داد که به عنوان یک عضو کوچک هیئت علمی دانشگاه شهیدبهبشتی بتوانم خدمتی هرچند ناچیز به فرزندان شاهد و ایثارگر ارائه کنم.

بنده سیدعلی محمد سجادی استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه شهیدبهبشتی هستم و از هنگام تاسیس امور ایثارگران در خدمت فرزندان شاهد و ایثارگر بوده‌ام و از خداوند می‌خواهم که باز هم به من توفیق دهد که تا پایان هم بتوانم خدمت کنم.

### ■ برای دانشجویان شاهد و ایثارگر آگاهی نسبت به نقاط قوت و ضعف خود از زبان یک استاد و یک پدر شنیدنی است.

من گمان می‌کنم که نفس فرزند شاهد و ایثارگر بودن خودش یک قوت است به این معنی که اگر فرزند ایثارگران که بعنوان دانشجو در کلاسهای ما شرکت می‌کنند این احساس را داشته باشند که پدرشان یا مثلا همسرشان با یکی از بستگان نزدیکشان جانباز بودند یا شهید شدند یا آزاده و یا... باید خودشان اینگونه حساب کنند که من وابسته به یک انسان هستم که از عزیزترین سرمایه زندگیش که جانش بوده در راه هدفش گذشته و اینکه در طول عمر کوتاه آدمی کسی بتواند اولاً هدف را پیدا کند ثانیاً در راه هدف بهترین وسیله را پیش پای خود بگذارد و برود و برسد به آنجا، به نظر من انسانی بوده که به کمال نزدیک شده فرزند چنین انسانی یا وابستگان چنین انسانی هم می‌تواند چنین قدرتی را در خودش بیدار کند و بگوید که بر من هم واجب است که بروم و به درجه کمال برسم.

یک مثال ساده‌ای که از من نیست ولی در عرفان فارسی است و بسیار هم معروف است این است که می‌گویند جنید بغدادی یا شبلی که از صوفیان بزرگ





بودند، یکی از این دو بزرگوار روزی از راهی می‌گذشتند دید که مردی را بدار کشیدند رفت و بر پایه چوبه دار بوسه زد گفتند چرا چنین کردی؟ گفت این مرد در کار خود مردانه بوده است این گفته شبلی به این معنی است که انسان باید به اندک قانع نباشد. باید برود تا برسد به قله هر چیزی و به نظر من شهادت یا ایثارگری یا جانبازی در راه هدف، حالا ممکن است هدف دین باشد، مذهب باشد، آئین باشد، ممکن است وطن باشد، ناموس باشد، حفظ جان باشد و هر مسئله دیگری که باشد، این بالاترین کمال است که یک انسان می‌تواند به آن برسد و همانطور که عرض کردم که اگر یک فرزند احساس کند که چنین خونی در رگهای او جریان دارد یا چنین بویی از شهادت در ذهنش استشمام می‌شود او هم باید بکوشد که برود و به نقطه کمال برسد.

متاسفانه نقطه ضعف هم درست از این نقطه آغاز می‌شود یعنی اگر کسی بفهمد که واقعا پدری داشته که رفته در راه این هدف شهید شده این هدف را بخوبی تشخیص ندهد و این را به عنوان نوعی طلب از جامعه تلقی کند سقوط می‌کند به این معنی که فرضا من اگر فرزند شاهد باشم باید بگویم که پدر شهید من اجرش با خداوند است حتی اجرش از بهشت هم بالاتر است چون ما می‌دانیم که شهدا جزء کسانی هستند که در قرآن مجید به غیر حساب خداوند به اینها نعمت می‌دهد در حالی که به دیگران همه با حساب نعمت می‌دهد. خب اگر چنین کسی باشد و احساس کند که من از جامعه طلبکار هستم به جای اینکه از خدا چیزی را طلب کنم از خلق طلب می‌کنم. همینکه از خلق طلب کردم طلبکار می‌شوم و

همینکه از جامعه طلبکار شدم سقوط می‌کنم بنابراین در پاسخ به گفته شما که کمال آنها و ضعف آنها چیست به نظر من کمال و ضعف هر دو در همین است اگر احساس کنند که اینها در طریقی هستند که باید به طرف خدا بروند می‌روند. نمره لیسانس و فوق لیسانس و... اینها توشه راه هستند خواه ناخواه فراهم می‌شوند اما اگر استنباط کنند که اینها تافته‌های جدا بافته‌ای هستند در اینصورت سقوط خواهند کرد که متاسفانه گهگاهی چنین حالتی را ما می‌بینیم. یک نکته دیگری که در اینجا باید اشاره کنم این هست که فرزندان شاهد و ایثارگر ما باید با یک واقعیت

**انسان باید به اندک قانع نباشد. باید برود تا برسد به قله هر چیزی**

و حقیقت روبرو شوند همانطور که گفتم نه بسیار پارا از گلیم خود دراز کنند چون خلق کسی نیست که ما بخواهیم به آنها فخر بفروشیم و نباید هم در خودشان کمبود احساس کنند بدلیل اینکه این هم باز معنی ندارد خوشایند و بد آیند خلق را اگر کنار بگذارند دیگر مسائل برایشان حل می‌شود.

در برخی دانشجویان می‌بینیم که چون مثلا با سهمیه قبول شده‌اند و آمدند این را برای خودشان نوعی سرشکستگی تلقی می‌کنند در حالی که واقعا

حق تصور کنم نه خدای نکرده یک تصرف عدوانی اینجوری در نظر بگیریم که اگر پدر این خانواده یا برادر این خانواده یا عزیزان این خانواده نمی‌رفت و سینه سپر نمی‌کرد و نمی‌جنگید در آن صورت شرایط ما چه می‌شد واقعا دانشگاه به چه روزی می‌رسید احتمالا آن استادی که تصور می‌کند که این آمده و حق دیگری را گرفته اصلا می‌توانست در کلاس حضور یابد، آیا امنیتی وجود داشت، آیا کشوری وجود داشت، اگر این شرایط را در مجموع در نظر بگیریم می‌بینیم که نه اگر آنها از آن سهمیه واقعا استفاده مثبت کنند نه تنها ما چیزی از آنها طلبکار نیستیم بلکه وامدارشان نیز خواهیم بود.

■ شما با دانشجویان خود ارتباط ویژه‌ای دارید احساس می‌شود هدف بچه‌ها هدفی مشخص نیست و یا هدف درستی نیست خیلی از مسائل هم از این امر نشات می‌گیرد شما این مسئله را چطور ارزیابی می‌کنید؟ و اساتید چه نقشی در این بین دارند؟

اینکه الان هدفها مشخص نیست با ما به هدفها بصورت مقطعی نگاه می‌کنیم کاملا درست است اما این نه مربوط به رشته ادبیات و علوم انسانی ست نه حتی رشته‌های دیگر این بصورت کلان و در برنامه ریزی‌های کلان مشکلی است که متوجه کل مملکت است وقتی که یک دیپلمه یا پیش دانشگاهی می‌تواند برای ورود به دانشگاه ۱۰۰ رشته را انتخاب کند و هر کدام از رشته‌هایی که یا شانس و یا برحسب نمره‌ای که آورده بیاورد معلوم است که کسی از زندگی نمی‌تواند بگوید که از ۱ تا ۱۰۰ همه برای من یکسان

چنین نیست این بچه‌ای که پدرش ۲ سال در جبهه بوده و یا ۱۰ سال به دست بعضی‌های عراقی اسیر بوده اگر شرایطش با شرایط دیگران یکسان بود، اسیر نبود یا کسی شهید نبود یا عضوی از خانواده را از دست نداده بود می‌توانست در اوج استعدادهای خودش باشد و از آن استفاده کند و جزء رتبه‌های اول و دوم وارد دانشگاه شود بنابراین بچه نباید نه احساس غرور کند نه احساس سرشکستگی اگر روی پای خودش بایستد و هدف متعالی پدر یا همسر یا کسی که شهید شده یا ایثارگر

هست را در نظر بگیرد و با توکل و اعتماد به خداوند در راه درس قدم‌بگذارد مسلم جزء افراد موفق

اگر پدر این خانواده یا برادر این خانواده یا عزیزان این خانواده نمی‌رفت و سینه سپر نمی‌کرد و نمی‌جنگید در آن صورت شرایط ما چه می‌شد واقعا دانشگاه به چه روزی می‌رسید

خواهد بود.

عیب این است که دانشجوی شاهد و ایثارگر از این سهمیه استفاده مناسب نکنند. یا اینکه استاد خدای نکرده خیال کند که این کسی که آمده به دیگران تحمیل شده در حالی که چنین نیست استعداد اینها از دیگران کمتر نیست همانطور که عرض کردم شرایطی که اینها در آن زندگی می‌کنند با شرایط دیگران متفاوت است حالا ما عکس قضیه را هم در نظر بگیریم برای اینکه من بخواهم این سهمیه را یک

دانشگاه می‌نشیند بعد از ۴ سال دوباره برمی‌گردند به همان مرحله اول که داشتند منتهی با توقع بیشتر، انتظارات بیشتر و خیلی چیزهای دیگر که‌ای کاش اصلا به دانشگاه نمی‌آمدم تا روزی که مدرک آن هم مدرکی که پشتوانه علمی چندانی ندارد چون شما به یقین می‌دانید که هر چه تعداد دانشجو بیشتر شود و امکانات ثابت باشد، استاد ثابت باشد بازدهی ما بسیار کمتر می‌شود در یک کلاس کارشناسی ارشد مثلا ۲۶ دانشجو نشست در حالی که حداکثر بایستی ۶ تا

۸ دانشجو بنشینند معلوم است که بازدهی این چه خواهد شد. شرایط دیگری هم در جامعه حاکم است که شاید گفتن آن چندان هم به صلاح نباشد اما به عنوان یک درد دل می‌شود گفت که

**دانشگاه الان شده بصورت  
یک هدف دور از دسترسی  
که ایرانی فقط به جنبه  
چشم هم چشمی به آن  
نگاه می‌کند**

در خاطرات مرحوم استاد بدیع الزمان فروزانفر که از شاخص‌ترین استادان دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی و معقول و منقول بوده نقل است که: مدیر گروه برای ایشان در هفته ۶ ساعت درس در نظر گرفته بود و استاد اعتراض کرده بود که اگر بنا باشد من ۶ ساعت درس دهم پس کی مطالعه کنم در حالی که ما می‌بینیم بسیاری از استادان ما امروز گاهی تا ۶۰ ساعت درس می‌دهند استادان پروازی داریم، استادان بیابانی داریم، استادان خیابانی

است مثلا اگر که دانش آموزی به این امید کنکور داده که پزشکی بخواند حالا پزشکی نتوانسته و حالا زیست شناسی می‌خواند زیست شناسی به هر حال از پزشکی پائین تراست ولی یک تناسب دارد.

گاهی می‌بینیم این دانشجویی که می‌خواسته پزشکی بخواند حالا اقتصاد قبول شده و سر از جامعه شناسی و... درآورده این صرفا دلش به این خوش است که دانشجویست آن هدفی که دنبال می‌کرده البته اگر از اول هدفی داشته باشد که این خودش برای من مبهم است، که همه بچه‌های ما یا همه خانواده‌های ما با هدفی روشن به دانشگاه نگاه می‌کنند دانشگاه الان شده بصورت یک هدف دور از دسترسی که ایرانی فقط به جنبه چشم هم چشمی به آن نگاه می‌کند همین قدر که مادر دلش خوش باشد که بچه اش می‌رود دانشگاه و بتواند برای اطرافیان فخر بفروشد که بچه من دانشجویست همین کافیست اما اینکه دانشگاه واقعا چی هست و چی به این می‌دهد یک مسئله جداگانه است از آن طرف هم آمارهایی که دست اندرکاران آموزش عالی ما می‌دهند که و هر سال به رخ ما می‌کشند که فلان وقت ما ۱۰۰ هزار دانشجو داشتیم الان ۲ میلیون دانشجو داریم این هم آمارهایی ست که بیشتر جنبه دلخوشی دارد تا یک حقیقت ببینم که از این ۲ میلیون دانشجو چند میلیونش توانسته اولاً آن هدف خاصی را که داشته یا نیازی را که مملکت داشته یا آنچه را که واقعا جامعه امروز می‌طلبد توانسته است با آن خودش را وفق دهد.

کسی از کنکور بگذرد و وارد دانشگاه شود به نظر من این هنری نیست. حداکثر این است که ۴ سال از عمر بچه‌های ما را می‌گیرد و پشت میزهای



چيست؟

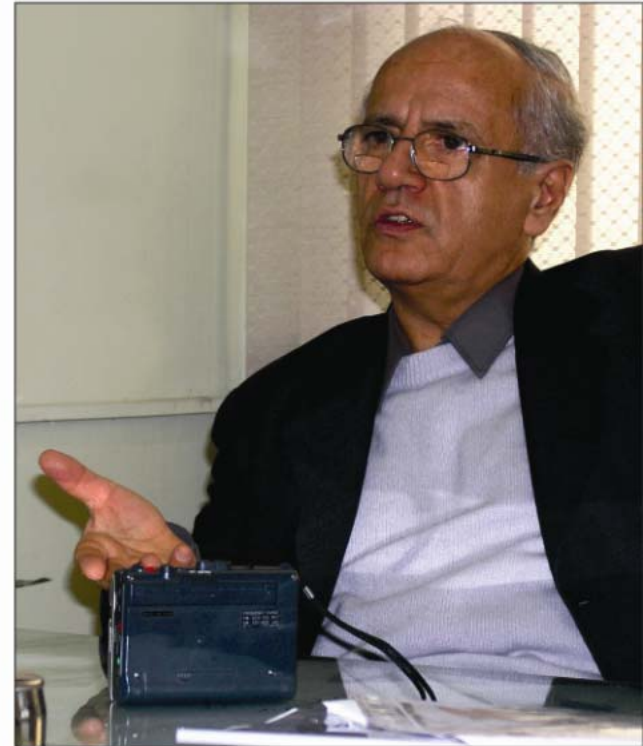
این مطالبی که گفتم هم اشکال در برنامه ریزی‌های ماست هم اشکال در دانشگاه‌های ماست هم اشکال در استادان ماست هم اشکال در دانشجویان ماست و چه کار بکند در این مملکت، کار که نیست، لیسانس ادبیات خودمان را می‌گوییم باید توی سر خودشان بزنند حالا اگر پارتی داشته باشند یا نداشته باشند ۴ ساعت در فلان جا حق التدریس بگیرند چندین سال حق التدریس کار کنند از فیلترهای مختلف بگذرند تا بتوانند اینها را به عنوان دبیر دبیرستان یا راهنمایی یا امثالهم استخدام کنند بنابراین اگر انگیزه اقتصادی نداشته باشیم از آن طرف هم برای نفس علم هم افتخار و شرفی قائل نباشیم در اینصورت چه خواهد شد همین می‌شود که الان هست یعنی مثلا می‌رود یک دانشجوی فارغ التحصیل رشته پزشکی بساز و بفروش می‌شود یک دانشجوی رشته ادبیات فارسی دلال از کار در می‌آید. یک دانشجوی جامعه‌شناسی اندیکاتورنویس اداره ثبت احوال می‌شود در نتیجه این می‌شود که هست البته یک توضیح بدهم به نظر من نفس کار هم مهم است مشروط به اینکه ما روی ارزشها پافشاری کنیم ارزش را از مدرک به این صورت برداریم.

دختر دانشجویی که سه سال چهار سال پیش دانشجوی من بود، آمد پیش من و گله می‌کرد احوالش را پرسیدم با او شوخی کردم که شوهر کردی می‌گفت نه شوهر پیدا نمی‌شه، کارداری نه کار هم پیدا نمی‌شود حالا باید چه کار کرد من به شوخی گفتم برو کار دیگری غیر از تخصصت که فارسی هست

داریم، نمی‌دانم گاهی از این اتلاق بیرون آمده به اتلاق دیگری وارد می‌شوند، از رشته‌ای به رشته دیگر به هر صورت وقتشان را پر می‌کنند یک مقدار شرایط خاص اقتصادی هست که من قبول دارم یک مقداری چشم هم چشمی‌های روزگار هست که من قبول دارم یک مقداری ارزشمند شدن پول یعنی پول جزء ارزشها قرار گرفته است که من قبول دارم یک مقداری حرص هم هست که من قبول دارم.

استادی که می‌خواهد ۴۰ ساعت، ۵۰ ساعت درس دهد، هم در دانشگاه آزاد بصورت پاره وقت و هم در دانشگاه شهیدبهبشتی کار کند هم پیام نور و... این کی به خانواده اش کی به مطالعه اش می‌رسد، بازدهی اینها واقعا چه خواهد بود.

بنابراین اگر برنامه ریزان مملکت در فکر این هستند که فکری نکنند، بنشینند با برنامه و منطق بگویند که ما اصلا چرا دانشجو می‌گیریم این دانشجویی که بیرون می‌آید صرفا می‌خواهیم ۴ تا کلمه علم بیاموزد، یک شغل متناسب با تخصص به او دهیم، واقعا مقصود



به نظر من عضو هیئت علمی نیازی نیست که به اینها خدای نکرده به دید ترحم بنگرد یا به عنوان مزاحم نگاه کند نه به همان نگاهی نگاه کند که به بچه‌های دیگر نگاه می‌کند که اگر ما بیش از حد به این دانشجویان پردازیم اینها در خودشان به نوعی احساس ترحم می‌کنند و این کار به شخصیتشان لطمه وارد می‌کند از یک طرف هم اگر خدای نکرده به دید عناد نگاه کنیم و به آنها به عنوان مزاحم نگاه کنیم باز هم اینها احساس حقارت خواهند کرد. نظر من باید، نظر یک

نظر استاد یا  
نظر استادانه،  
نظر استاد  
یک نظر  
پدرانه باشد  
و نظر پدر  
نظریست توام  
با عاطفه و در  
عین حال توام  
با قهر. یعنی  
گاهی ممکن

**شما اگر سری به کشورهای  
فرنگ بزنید آنها که واقعا  
نفس کار برایشان مهم است  
می‌بینید که آقا راننده تاکسی  
ست ولی فوق لیسانس.**

است انسان سر فرزندش داد بکشد گاهی ممکن است ناز او را هم بخرد ما با اینها بایستی درست همین رفتار را کنیم یعنی درستی و نرمی به هم در به است. تشویقشان کنیم از آنها بخواهیم که مواظب باشند درسشان را بخوانند همچنانکه از دیگران می‌خواهیم در عین حال هیچ کمک نمره‌ای هم به اینها نکنیم ارفاق به این عنوان که بچه، بچه شهید هست مثلا ۷ را کنیم ۱۰ نه با این مخالفم من وقتی بچه‌های شهید یا ایثارگر رو برویم قرار می‌گیرند می‌گویند آقا کاری کنید ۸/۵،

یاد بگیر گفت چه کنم گفتم برو یک دوره سه چهار ماهه دوره آرایشگری را یاد بگیر چه اشکال دارد که یک لیسانس ادبیات فارسی یا فوق لیسانس مدیریت، آرایشگری هم بلد باشد شما اگر سری به کشورهای فرنگ بزنید آنها که واقعا نفس کار برایشان مهم است می‌بینید که آقا راننده تاکسی ست ولی فوق لیسانس. متاسفانه در مملکت ما به صرف اینکه یک دانشجویی لیسانس گرفت دیگر از هر کاری گریزان است نه کار آزاد نه کار حرفه‌ای می‌خواهد انجام دهد می‌خواهد پشت میز بنشیند کاری با عنوانی که بتواند پول کلانی هم بدست بیاورد حالا حرفه‌ایم را جمع و جور کنم ما باید برنامه‌ریزی کنیم هدفها را هم در آموزش عالی مشخص کنیم هم در سطوح دیگر مشخص کنیم تا حالا برسیم به این دانشجویان شاهد و ایثارگر، اگر که خانواده شاهد و ایثارگر احساس نکند که واقعا در یک مرحله پائین اقتصادی قرار دارد و بچه اش باید حتما دنبال کاری باشد نان و آبی بدست بیاورد یک رفاهی در سطح متوسط جامعه ما برای اینها در نظر بگیریم و تصور کنیم که اینها روزی بایستی پدرشان زنده می‌بود نان در می‌آورد و همان مقدار به آنها نان دهیم خیلی از مسائل به نظر من حل می‌شود.

■ **استاد شما به نکات دقیق و حساسی اشاره کردید بخشی به برنامه ریزان سطح کلان کشور بر می‌گردد، برخی به مسئولین دیگر، اما در این بین با این وضعیت موجود وظیفه دانشجو چیست؟**

این سؤال شما را من به دو بخش تقسیم می‌کنم که یکی آن مربوط به سؤال قبلی است که این وظیفه استاد یا هیئت علمی نسبت به این بچه‌ها چی هست.

دانشجویان می‌گویم به صورت خاص به دانشجویان شاهد و ایثارگر می‌گویم که در هر رشته‌ای که هستند حتی اگر به آن علاقه ندارند بتوانند به خود بقبولانند که من الان آمدم در اینجا و چاره‌ای جز این نیست که عمر من پشت این میزها بگذرد پس چه بهتر که من نهایت استفاده را بکنم بر مشکلات درسی خودم چیره شوم و مدرکی که می‌گیرم درست مطابق با آن باشم که به من می‌گویند مثلاً لیسانس، فوق لیسانس نه یک مدرک صوری که فقط بخواهم از خود مدرک استفاده کنم. به عبارت ساده تر به نظر من یک لیسانس ادبیات با سواد هم می‌تواند گلیم خودش را از آب بکشد هم می‌تواند نان خود را بدست بیاورد هم خودش را اقلع کند مشروط به اینکه واقعا درس خوانده باشد و لذت ببرد از این کارش. به عنوان نمونه می‌گویم که مثلاً حافظ یا سعدی را در حد لیسانس و نه بیشتر بشناسید اگر مشکلات زندگی هم خواست بر شما غلبه کند شما با توجه به یک شعر سعدی یک شعر حافظ بر همه آن مشکلات پیروز می‌شوید اما اگر لیسانس ادبیات گرفته باشید ۱۳۵ واحد هم گذرانده باشید یک غزل حافظ هم نتوانید بخوانید، لطافت یک سخن سعدی را نتوانید درک کنید در اینصورت خسرالدنیا و الاخره که هم دنیایان را از دست دادید و هم آخرت را.

### ■ لطفاً به نیت بچه‌های شاهد و ایثارگر تفالی به حافظ بنید

یکی از دلایل ماندگاری شعرای ماصفای دل و خلوص نیتی است که داشته‌اند یک از این صافی دلان خواجه شیراز است با صافی دل به پیش او برویم و فالی بگیریم تا ببینیم جواب دانشجویان شاهد را چه می‌دهد.

شود ۱۰ می‌گویم تو چرا کاری نکرده‌ای که ۱۸/۵ شوی که اصلاً احتیاج به این کار نداشته باشی تو چه چیز از دیگران کمتر داری، اگر می‌رفتی تلاش می‌کردی به هر حال بر همه مشکلات فائق می‌شدی این یکی اما اینکه خود دانشجوی چه کند سؤال خوبیست که به هر حال برنامه ریزی نیست سجادی هم مثلاً روزی می‌خواستند پزشکی بخواند سر از ادبیات درآورده چه کند به نظر من در اینجا هم باید کمال جویی را فراموش نکنند من که آمدم دارم ادبیات می‌خوانم ولو اینکه روز اول هم علاقه‌ای

به خواندن آن نداشتم (البته به عنوان مثال عرض می‌کنم والا من به رشته خودم عشق

به نظر من یک لیسانس ادبیات با سواد هم می‌تواند گلیم خودش را از آب بکشد هم می‌تواند نان خود را بدست بیاورد هم خودش را اقلع کند مشروط به اینکه واقعا درس خوانده باشد و لذت ببرد از این کارش.

می‌ورزم) باید سعی کنم که یک فارغ التحصیل لیسانس ادبیات بسیار خوب باشم به لیسانس هم قناعت نکنم باید از الان به فوق لیسانس بعد از آن به دکترا بیندیشم و یقین داشته باشم که اگر یک دکتر ادبیات با سواد باشم هرگز گرسنه نخواهم ماند هرگز خانه و زندگیم هم بی‌خرجی نخواهد ماند با توجه به اینکه رزاق هم خداست و اینکه کاری که من کردم به هر حال در جایی نمود و جلوه خواهد کرد و من از آن بهره خواهم برد بنابراین بصورت عام به همه





فالی که آمده را من می‌خوانم، تحلیل و برداشت آن را بر عهده عزیزانی می‌گذارم که این مصاحبه را مطالعه می‌کنند.

به وقت گل شدم از توبه شراب خجل  
 که کس مباد ز کردار ناصواب خجل  
 صلاح ما همه دام ره است و من زین بحث  
 نیم ز شاهد و ساقی به هیچ باب خجل  
 بود که یار نرنجد ز ما به خلق کریم  
 که از سوال ملولیم و از جواب خجل  
 ز خون که رفت شب دوش از سراچه چشم  
 شدیم در نظر رهروان خواب خجل  
 رواست نرگس مست ار فکند سر در پیش  
 که شد ز شیوه آن چشم پر عتاب خجل  
 تویی که خوبتری ز آفتاب و شکر خدا  
 که نیستم ز تو در روی آفتاب خجل  
 حجاب ظلمت از آن بست آب خضر که گشت  
 ز شعر حافظ و آن طبع همچو آب خجل

و به راستی کسی که سعدی، حافظ، مولانا، فردوسی و نظامی را دارد به نظر من هیچ کم ندارد و خدا را هزاران بار شاکرم که مرا به راهی کشاند که از ارادتمندان شیخ و خواجه باشم.  
 و آخرین مطلب؟

هم جامعه هم خود دانشجویان، من و شما و مدیر امور ایثارگران و کسانی که بطور کلی خدمتگزاری آنها را افتخار می‌دانند باید بکوشیم که این بچه‌ها هنگام خروج از دانشگاه بچه‌هایی خوب، سالم و ایده آل به معنای واقعی باشند.

# جراتمندی آری انفعال خیر

برای همه ما گاه موقعیتهایی پیش می‌آید که علیرغم میل خود مجبور به انجام کاری می‌شویم. مثلاً این موقعیت را در نظر بگیرید که یکی از دوستان شما با اصرار می‌خواهد تا در ساعت پرترافیک عصر با او به جایی بروید، در حالیکه شما برای آن ساعت برنامه خاصی را برای خود از پیش تنظیم کرده‌اید: دلتان می‌خواهد به او بگوئید که نمی‌توانید با او بروید اما به خود می‌گوئید "عیبی ندارد"، "دوست است"، "شاید ناراحت شود، شاید از من برنجد"

اگر تعداد دفعات و مواردی که شما در موقعیتهایی نظیر مثال بالا با آن مواجه می‌شوید زیاد است، احتمالاً با حقوق خود در ارتباط با دیگران آشنایی ندارید و به عبارت دیگر شما در زمینه مهارت ابراز وجود و نه گفتن به دیگران دچار مشکل هستید.



# پرخاشگری هرگز

ج) عواطف، هیجانات و سلامت روانی طرف مقابل نیز در نظر گرفته می‌شود. در واقع فرد بدون آنکه احساس منفی یا گناه نماید از سلطه جویی‌های دیگران پیشگیری نموده و سلامت جسمی، روانی و اجتماعی خود را حفظ می‌نماید.

## رفتار قاطعانه شامل چه مواردی نمی‌باشد؟

بد نیست برای روشن‌تر شدن مطلب، به این موضوع نیز پرداخته شود که چه رفتارهایی به معنی رفتار قاطعانه نیست؟

در تبیین این رفتار باید سه نوع رفتار از یکدیگر تمایز داده شوند. این رفتارها در طیفی از عدم قاطعیت و انفعال، پرخاشگری و قاطعیت قرار دارند.

## ۱- رفتار منفعلانه (عدم قاطعیت)

در رفتار منفعلانه فرد در موقعیتهای مختلف نه تنها حقوق اساسی خود را ابراز نمی‌کند بلکه به دیگران اجازه می‌دهد تا به حقوق او تجاوز کنند. این قبیل افراد پاسخ اضطرابی نامتناسبی در موقعیتهای

نتایج پژوهشها و مطالعات علمی متعددی در این رابطه نشان داده‌اند میان میزان آسیبهای اجتماعی، روانی و کمبود قاطعیت و مهارت ابراز وجود ارتباط مستقیم وجود دارد.

فردی که نسبت به خود و حقوق خود مردد است ممکن است بالاخره در مقابل فشار خواست دیگران یا گروه (دوستان) مقاومت نکرده و به راحتی در دام بسیاری از آسیبها بیفتد. زیرا قادر نیست به دیگران خصوصاً دوستان "نه" بگوید.

## اما مهارت ابراز وجود، "نه" گفتن و قاطعیت چیست؟

زمانی که ما بتوانیم افکار، عقاید، امیال، احساسات و تقاضاهای خود را نسبت به دیگران به راحتی، بدون اضطراب و به شیوه قابل قبول و پسندیده اجتماعی بیان کنیم، در واقع دارای مهارت ابراز وجود هستیم.

در این شیوه بیان:

الف) ما رفتار بین فردی صادقانه و بیان مستقیم افکار و احساساتمان را داریم.

ب) رفتار ما از نظر اجتماعی مطلوب و قابل قبول است.



راهکارهای اساسی برای دستیابی به رفتار جراتمندانه

- ۱- حقوق، خواسته‌ها و نیازهای شخصی تان را شناسایی کنید.
- ۲- چگونگی احساساتتان را نسبت به موقعیت‌های ویژه از قبیل "من خشمگینم"، "دست پاچه هستم"، "دوست دارم" را شناسایی کنید.
- ۳- در توصیف احساسات، تفکر و خواسته‌هایتان از ضمیر من بهره بگیرید مانند "من ناراحتم" به جای "تو مرا ناراحت کردی"
- ۴- صریح باشید؛ حرف خود را مستقیم و بدون واسطه به شخص مورد نظرتان بزنید به جای طفره رفتن و یا فلسفه بافی صریحا بگوئید که من نمی‌توانم چنین کاری را انجام دهم.
- ۵- بکوشید درباره این که دیگری در مورد شما چه فکری می‌کند و یا چه احساسی دارد، چه انگیزه‌هایی دارد، ممکن است چه واکنشی نسبت به شما نشان دهد، هیچگونه حدس و گمانی نزنید.
- ۶- از طعنه و کنایه زدن، ترور شخصیت یا توهین به دیگران پرهیزید مانند استفاده از واژه‌هایی نظیر "تو هرگز حقوق دیگران را در نظر نمی‌گیری، تو دائما از دیگران در خواستی داری" و...
- ۷- بدون احساس گناه در مقابل در خواسته‌های غیر منطقی و سلطه جویانه دیگران "نه" بگوئید.
- ۸- با آوردن دلایل منطقی و واقعی به در خواسته‌های دیگران "نه" بگوئید.
- ۹- در صورتی که در موقعیتهای پر فشار و خطرناک قرار گرفتید که احتمال خطر تسلیم شدن وجود دارد بهتر است که از آن موقعیت دور شوید.

بین فردی نشان می‌دهند زیرا آنها یاد گرفته‌اند که حقوق دیگران بسیار مهمتر از حقوق خودشان است و نباید هیچ وقت به در خواست و نظر دیگران "نه" گفت و بالاخره تسلیم خواست دیگران می‌شوند.

## ۲- رفتار پر خاشگرانه

رفتار خشن و خصومت آمیزی است که فرد از طریق آن امیال و خواسته‌هایش را بیان می‌کند، بدون آنکه به طور مناسب حقوق یا عواطف دیگران را به حساب آورد. مثال: شما مایل نیستید که با دوست یا هم اطاقی خود بیرون بروید. "نه نمی‌توانم بیایم؛ چرا همیشه برای انجام کارهایت به دیگران می‌چسبی، چقدر کنه ای، کی می‌خواهی روی پای خودت بایستی؟"

## ۳- رفتار قاطعانه

همانطور که قبلا نیز اشاره شد در رفتار قاطعانه فرد توانایی ابراز وجود و ابراز حقوق خود را در رابطه‌ای مستقیم، باز، صریح، روشن و صادقانه دارد. بیاد داشته باشید رفتار قاطعانه سبب رشد اعتماد به نفس در شما می‌شود و در ضمن موجب برانگیختن حس احترام دوستان و آشنایان نیز می‌گردد. و در ضمن امکان دستیابی به روابط صادقانه و سالم را افزایش می‌دهد و کمک می‌کند تا ما درباره خود احساس بهتری داشته باشیم و بر موقعیتهای روزمره کنترل و تسلط بیشتری بیابیم. مثال: "امروز بعد از ظهر برنامه مهمی را از قبیل برای خود تنظیم کرده ام. متاسفم از اینکه نمی‌توانم با تو بیایم."

روشن

# چگونه اعتماد به نفس خود را افزایش دهیم؟

احتمالا می‌دانید که وقتی اعتماد به نفس پائین است، فرد دائما یک گفتگوی درونی شبیه جملات زیر را با خود دارد.

"من خوب نیستم، من فرد بی فایده یا بی ارزشی هستم، من دوست داشتی نیستم، و غیره". اعتماد به نفس پائین در بسیاری از جنبه‌های زندگی نظیر محل کار، تحصیل، ارتباطات فردی و بین فردی، وضعیت هیجانی و عاطفی اثر منفی می‌گذارد و فرد در یک روند یا دور معیوب به خود تخریبی می‌پردازد.

بد نیست قبل از پرداختن به برخی از شیوه‌های افزایش اعتماد به نفس تعریف مشخصی از آن داشته باشیم: اعتماد به نفس، قضاوت و نگرشی است که شخص به طور مداوم و پیوسته در کلیه جنبه‌های



زندگی فردی و اجتماعی باشد، این افراد با اغراق و بزرگ کردن تواناییها و امکانات خود در واقع دچار اعتماد به نفس ماسک زده و تغییر شکل یافته می‌باشند.

ب) ارزیابی، بسیار پائین تراز واقعیت‌های موجود در زندگی فردی و اجتماعی باشد. این افراد با کوچک و کم ارزش شمردن تواناییها و امکانات خود هیچ یک از ابعاد فردی، اجتماعی و حتی جسمانی و ظاهری خود را نمی‌پذیرند و چنانکه در قبل نیز اشاره شد دائما با گفتگوهای درونی منفی خود را ارزیابی می‌کنند.

فردی، خانوادگی، پایگاه اجتماعی و غیره از خود دارد. این نگرش و قضاوت تحت تاثیر عوامل مختلف نظیر فرهنگ، جامعه، خانواده شکل می‌گیرد و باعث می‌شود که شخص خود را فردی با ارزش یا بی ارزش ارزیابی کند. در برخی از موارد ارزش گذاری افراد غیر واقع بینانه تعریف شده است. بدین معنی که قضاوت و نگرش فرد هیچ تناسبی با "خود" واقعی او ندارد. ارزیابی نامتناسب می‌تواند دو شکل یا حالت داشته باشد:

الف) ارزیابی، بسیار بالاتر از واقعیت‌های موجود در

## گام‌های موثر در افزایش اعتماد به نفس

### گام اول

#### پیدا کردن خود آگاهی نسبت به موقعیت‌ها

- لیستی از موقعیت‌هایی که دچار حالت عدم اعتماد به نفس می‌شوید تهیه کنید.
- لیستی از اشخاصی که در ارتباط با آنها دچار عدم اعتماد به نفس می‌شوید تهیه کنید.
- افکار خود را در مواقعی که دچار عدم اعتماد به نفس می‌شوید بر روی کاغذ بیاورید.
- احساسات و هیجانات خود را در مواقعی که دچار عدم اعتماد به نفس می‌شوید بر روی کاغذ بیاورید.
- رفتار خود را در مواقعی که دچار عدم اعتماد به نفس می‌شوید بر روی کاغذ بیاورید.
- رفتار خود را در مواقعی که دچار عدم اعتماد به نفس می‌شوید مشخص کنید.

### گام دوم

#### پذیرش واقعیت‌هایی که در زندگی شما وجود دارد.

به عبارت دیگر پذیرش نقاط ضعف و قوت خود. مثال: هنگام پرسیدن سوال از استاد خود نگوئید که؛ "من سرخ نمی‌شوم، من به لکنت زبان دچار نمی‌شوم". یا اینکه تلاش نکنید که هیجان ترس و دلهره خود را پنهان کنید. چرا که به میزان انرژی روانی که صرف می‌کنید تا این واقعیتها را وارونه جلوه دهید، میزان اضطراب در



## آینه‌ای‌تلا

شما بالا می‌روید و بالا رفتن اضطراب سبب افزایش علامتهای عدم اعتماد به نفس می‌شود می‌بینید که در یک سیکل معیوب فرایند عدم اعتماد به نفس شدت پیدا می‌کند در سایر زمینه‌ها نیز پذیرش "خود" در واقع صلح با "خود" واقعی است که آرامش ذهنی را برای شما به ارمغان می‌آورد.

### گام سوم

#### تلاش برای تغییر افکار، احساسات و رفتار

در این گام کمک گرفتن از افراد متخصص نظیر روانشناسان و مشاوران بسیار موثر است. برقراری ارتباط با افراد موفق و با اعتماد به نفس و الگو قرار دادن آنها، مطالعه کتابهای سودمند نیز توصیه می‌شود.

### گام چهارم

#### ارزیابی میزان تغییراتی که داشته‌اید.

نکته قابل توجه اینکه کوچکترین تغییرات خود را در هر یک از جنبه‌ها مهم و با ارزش بشمارید و با گفتگوهای درونی مثبت نظیر "من تغییر را شروع کرده‌ام، یا من از استعدادهایی برخوردارم که در من امید به موفقیت و غلبه بر عدم اعتماد به نفس را ایجاد می‌کند." به خود پاداش بدهید. حتی می‌توانید برای خود جایزه‌ای در نظر بگیرید و یا کاری را که دوست دارید، مثلاً رفتن به سینما و غیره انجام دهید.

### گام پنجم

#### ارزیابی عملی خویش در موقعیت‌های واقعی

به عنوان مثال سعی کنید در مورد عقاید و احساسات خود با کلماتی ساده و عادی در کلاس درس صحبت کنید یا سوال کردن از استاد را در کلاسهایی که احساس راحتی بیشتری با استاد و همکلاسیها دارید تمرین کنید و به تدریج فعالیت خود را در کلاسهای دیگر افزایش دهید.

### گام ششم

#### ثبت کلیه تغییرات بوجود آمده و مشاهده تغییرات خود بصورت عینی

می‌توانید با تخصیص نمره، میزان تغییر در افکار، احساسات، هیجانات و رفتار را با سطح پایه و آغازین مقایسه کنید.

# تاثیر مذهب اسلام در حقوق جزا و اهمیت آن

در مورد اهمیت مذهب اسلام در حقوق جزا، شارل نویسنده کتاب «حقوق اسلام» با آنکه در خلال نوشته هایش رعایت بی طرفی کامل را ننموده است معینا در مورد اهمیت حقوق جزای اسلام می نویسد که اسلام دوازده قرن قبل از حقوق اروپایی مسئله مسئولیت شخصی و انفرادی را مطرح کرده است. وی اضافه می نماید که در آن ایام که حقوق اروپایی محاکمه حیوانات و اجساد را تجویز می کرد حقوق جزای اسلامی فقط مسئولیت و تعقیب افراد زنده را اجازه می داد.<sup>۱</sup> به عنوان مثال در اوایل قرن هفدهم یکی از کارمندان دولت فرانسه متهم گردید که اطلاعاتی در اختیار دولت اسپانیا قرار داده است. متهم تحت تعقیب قرار گرفت و به هنگام فرار در آب غرق گردید. با اینکه متهم فوت نموده بود، معینا دادگاه پاریس پس از مرگ وی، موضوع را مورد رسیدگی قرار داد و خیانت وی را محرز دانست و حکم داد که علاوه بر ضبط اموال مجرم، باید جسد وی در روی ارابه گذاشته شود و بوسیله اسب در شهر پاریس کشانیده شود و سپس در میدان «گرو» (میدان شهرداری فعلی) به معرض تماشای مردم گذاشته شود، سپس باید بوسیله طناب به چهار اسب بسته شود و اسبها به چهار طرف حرکت کنند تا جسد به چهار قسمت تقسیم شود و آنگاه این جسد تکه تکه پاره شده نیز در خیابانهای پاریس به معرض تماشا و نمایش گذاشته شود.<sup>۲</sup>

لازمه مسئولیت در حقوق اسلامی بر خورداری از عقل و آزادی و اختیار است. به همین علت اطفال، مجانین، اجساد و حیوانات در مذهب اسلام مصون از تعقیب و مجازات است. شاید امروز معافیت اطفال و مجانین از مجازات برای بشر قرن بیست و یکم امر کاملا

حمید سهرابی قطب آبادی

دانشجوی شاهدکارشناسی ارشد رشته جزا و جرم



شلاق زده شده باشد، مجازات حیوانات هم سوابق بسیاری دارد در صورتیکه توجه مسئولیت به شخص مجرم آنهم به شرط دارا بودن عقل و بلوغ و اختیار یکی از اصول بسیار مهم و بدیع حقوق جزای اسلامی است. با توجه به مطالب مطرح شده می‌بینیم در حقوق جزای اسلامی اصول بسیار مهمی دیده می‌شود.

یکی از این اصول بسیار مهم «اصل قانونی بودن جرم و مجازات است» مراد از اصل قانونی بودن جرم و مجازات این است که هر نوع جرم و مجازات باید قبلاً

**انسان نسبت به اشیاء و امور، حق هرگونه دخل و تصرف را دارد مگر در مواردی که قانون منع کرده باشد**

از طرف قانونگذار وضع و برقرار شده باشد. تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که در قدیم الایام و تا اوایل قرن هفتم میلادی و استقرار آیین اسلام چنین اصلی در قوانین حقوق جزای آن عصر وجود نداشت اما اسلام برای غالب جرایم مجازاتهای خاصی پیش بینی کرد و اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به عنوان یکی از اصول مهم و مسلم حقوق کیفری اسلام مطرح کرد و به همین منظور برای ارتکاب بعضی از جرایم از قبیل زنا، لواط، قذف، شرب خمر، محاربه و... بر حسب مورد

پیش پا افتاده هستند و یا محاکمه حیوانات و اجساد فرد را به تعجب وا دارد. اما ما از ایامی بحث می‌کنیم که دانش بشری و حقوق جزا تا این مقدار پیشرفت ننموده بود. با مطالعه تاریخ در می‌یابیم که در ایام قدیم مسئولیت انفرادی و شخصی در بین نبوده و در تعقیب جرائم نفس جرم و عینی بودن آن مطرح بوده نه مسئولیت کیفری مجرم به معنای امروز.<sup>۲</sup>

اعتقاد عمومی بر آن بوده است که هرگاه کسی کشته شود تا زمانیکه انتقام وی از قاتل گرفته نشود و قاتل به مجازات نرسد، روح مقتول هرگز روی آسایش و آرامش نخواهد دید لازمه آسودگی روح وی آن بوده که انتقام وی گرفته شود و قاتل به مجازات برسد، و این در حالی است که وقتی پیامبر (ص) در جامعه عربستان جاهلی رسالت خود را آغاز نمود، جامعه عربستان به دلیل موقعیت جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی مردمی جنگجو و مقاوم در مقابل سختیها بودند و با سیر در کتب تاریخی مشاهده می‌گردد که بحث انتقام تا چه اندازه برای اعراب مهم بوده تا این حد که آنها انتقام شخصی را آبروی خود محسوب می‌کردند و می‌گفتند: «النار و لا تترك النار» یعنی ما حاضریم جهنم را انتخاب کنیم ولی از انتقام خصوصی صرف نظر نکنیم<sup>۳</sup>، دو قبیله اوس و خزرج سالهای سال در یثرب (مدینه) با هم جنگ می‌کردند تا اینکه بعد از ورود پیامبر به آنجا بین این دو قبیله صلح داده شد.

در آن ایام قاتل و مجرم باید انتقام پس بدهد خواه عاقل باشند، خواه دیوانه، خواه آزاد و خواه مختار، خواه بنده و خواه مجبور، و هم چنین بسیار می‌دادند دیده شده که علیه در گذشتگان اقامه دعوی شده باشد و آنانرا نبش قبر نموده باشند و یا شنیده شده که به جسد مردگان



می‌کند: «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» ما هیچکس را پیش از برانگیختن پیامبر و همچنین ابلاغ قوانین بوسیله او مجازات نمی‌کنیم، مهمترین دلیل پذیرفته شدن و اعتبار اصل قانونی بودن مجازاتها در نظام کیفری اسلام است.<sup>۷</sup>

تمسک به حدیث «رفع» از پیامبر اکرم (ص): رفع عن امتی تسعه الخطاء... و ما لا یعلمون...

که از ناحیه مذاهب

و فرق اسلامی

مورد استناد قرار

گرفته، یکی دیگر

از دلایل پذیرفته

شدن و اعتبار

مجازاتهای قانونی

اسلامی است؛ زیرا

مطابق فرموده آن

حضرت، مواخذه

در مورد نه چیز از

امت اسلامی مرتفع

شده است، یکی

از مواردی که به

موجب این حدیث،

حکم از آن برداشته

می‌شود در مورد

شخصی است که

از او امر و ندهای

شارع مطلع و آگاه نباشد، بنابر این چنانچه کسی از

احکام جزایی آگاهی نداشته باشد، شرعا چون مکلف به

آن حکم نیست، کیفری نخواهد دید.<sup>۸</sup>

مجازاتهای شرعی حدود مشتمل بر حد تازیانه یا حد قتل و غیره وضع و برقرار کرد و برای جرایم علیه جسم و جان آدمی، مجازات قصاص و دیه و در سایر جرایم قائل به تعزیر شد و بعد از چند قرن ملاحظه می‌گردد که سزار بکاریا<sup>۵</sup> در سال ۱۷۶۴ میلادی رساله جرایم و مجازاتها را نوشت که در این کتاب به اصل قانونی بودن جرم و مجازات که در آن زمان در اروپا به طور کلی مخدوش شده بود، به نظام کیفری آن عصر حمله کرد و آنها را محکوم نمود.

**مراد از اصل قانونی بودن جرم و مجازات این است که هر نوع جرم و مجازات باید قبلا از طرف قانونگذار وضع و برقرار شده باشد.**

اما دین مبین اسلام چند قرن قبل این اصل مهم و اساسی حقوق جزا را بیان و بر آن تاکید کرد.<sup>۶</sup>

بنابراین از نظر اسلام مجازات باید قانونی باشد و ملاک قانونی بودن آن نیز این است که مستند به یکی از منابع یا ادله فقهی باشد، پس لازمه آشنایی بیشتر با این اصل این است که در این جا به برخی از آیات و احادیث و قواعدی که مدلول اصل قانونی بودن مجازات محسوب می‌شود اشاره کنیم.

از جمله مفاد آیه شریفه ۱۵ سوره اسراء که بیان



افراد در روابط اجتماعی است؛ زیرا در انجام تکالیف قانونی افراد، مادامی که دلیلی بر وجوب یا حرمت یا استحباب یا کراهت آن تکلیف در بین نباشد، اباحه حاکم است؛ به سخن دیگر، اصل نخستین در الزامات قانونی، قبل از آنکه قانونی درباره آنها وضع و برقرار شده باشد، اباحه و جواز است بنابراین هر گاه در ممنوعیت یا جواز انجام کاری شک کنیم، اصل و قاعده آن است که انجام آن کار جایز است و قابل مجازات نیست، مگر آنکه قانون به آن تصریح کرده باشد.<sup>۱</sup>

با ملاحظه مطالب بحث شده به این نتیجه می‌رسیم که در حقوق اسلامی ما همه چیز داریم و فقط لازم است که با پشتیکار و همت بلند نهادهای حقوق اسلامی را به روز کرده و در اختیار دستگاه قضائی و جامعه قرار دهیم.

سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد  
و آنچه خود داشت زیگانه تمنا می‌کرد

#### پی‌نوشتها

- ۱ - شارل کتاب حقوق اسلام به زبان فرانسه صفحه ۳۷، به نقل از محسنی، دکتر مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، کلیات حقوق جزاء جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم
- ۲ - کتاب قدرت، قضات، میر غضبان، تالیف آقایان ژرژ لوسور و ژان امبر صفحه ۲۰۲ به نقل از محسنی دکتر مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی / ۱۳۸۲، صفحه ۱۵۴ مسولیت کیفری، جلد سوم، انتشارات گنج دانش، چاپ اول / ۱۳۷۶ صفحه ۱۰
- ۳ - مرتضی محسنی، کلیات حقوق جزا، جلد اول
- ۴ - دکتر رضا نورپناه، زمینه حقوق جزای عمومی صفحه ۹۴
- ۵ - Beccaria, cesare حقوقدان و نویسنده معرف قرن هیجدهم ایتالیا که کتاب جرایم و مجازاتهای او شهرت جهانی دارد.
- ۶ - محسنی، دکتر مرتضی، منبع پیشین، صفحه ۱۵۵
- ۷ - انصاری، شیخ مرتضی، وسایل: تلخیص آیت الله مشکینی، صفحه ۱۵۲
- ۸ - گرچی، دکتر ابوالقاسم، حقوق جزای عمومی اسلام، نشره موسسه حقوق تطبیقی شماره ۶
- ۹ - محمدی، دکتر ابوالحسن، مبنای استنباط حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نوزدهم / ۲۸۴، صفحه ۲۹۷

از جمله مهمترین، قواعدی که اصل قانونی بودن جرم و مجازاتهای اسلامی را توجیه می‌نماید، قاعده «قبح عقاب بلا بیان» است. از نظر فقهی، عقاب به معنای کیفر دادن است و منظور از بیان، اعلام و تصریح اعمال ممنوع از طرف قانونگذار است و لذا غرض اصلی از این قاعده این است که عملی که زشت و ناپسند است تا وقتی که قانونگذار آن عمل را قبیح و ممنوع و مستحق کیفر اعلام نکرده است،

کسی را به جهت ارتکاب آن عمل مجازات کنند؛ زیرا عقلا و شرعا چنین کیفری زشت و مردود است. این قاعده که امروز در نظامات کیفری جهان نیز کاملاً و مطلقاً رعایت می‌شود، ضامن آزادیهای فردی افراد جامعه است.<sup>۹</sup> یکی دیگر از دلایل توجیه اصل قانونی بودن جرم و مجازات در اسلام (اصل اباحه)



است، بدین معنی که انسان نسبت به اشیاء و امور، حق هر گونه دخل و تصرف را دارد مگر در مواردی که قانون منع کرده باشد این اصل نیز ضامن آزادی اراده

## قرارداد بهره‌مندی دانشجویان شاهد و ایثارگر

### از کلاس‌های آمادگی آزمون کارشناسی ارشد جهاد دانشگاهی

بهره‌مندی داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد (همسر و فرزندان شاهد؛ جانبازان و فرزندان و همسران جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر؛ آزادگان و فرزندان و همسران آزادگان) از کلاس‌های آمادگی آزمون کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۴ تبصره: خواهر و برادر شهدا و کارکنان بنیاد نیز از تخفیف ۳۰ درصدی جهاد برخوردار خواهند شد. مدت قرار داد: ۱۳۸۴/۶/۱ لغایت ۱۳۸۴/۱۲/۲۵

مبلغ قرار داد: مبلغ قرار داد متناسب با هزینه‌های تعیین شده در هر واحد دانشگاهی و برابر شرح ذیل این ماده می‌باشد. که بخشی از هزینه توسط داوطلب و بخش دیگر توسط سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استانها پرداخت می‌شود.

نسبت با ایثارگران	مبلغ تخفیف جهاد	سهم بنیاد
<ul style="list-style-type: none"> <li>- همسر و فرزندان شهدا</li> <li>- جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر</li> <li>- همسر و فرزندان جانبازان ۵۰ درصد بالاتر</li> <li>- آزادگان</li> <li>- همسر و فرزندان آزادگان</li> </ul>	۳۰ درصد	حداکثر ۵۰ درصد هزینه تا سقف ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال در گروه‌های فنی، مهندسی، پزشکی و هنر و ۸۰۰/۰۰۰ ریال در سایر گروه‌ها
همسر و فرزندان جانبازان ۲۵ تا ۴۹ درصد	۳۰ درصد	حداکثر ۵۰ درصد هزینه تا سقف ۳۰۰/۰۰۰ ریال در همه گروه‌ها

\* در حال حاضر کلاس‌های آمادگی کارشناسی ارشد رشته‌های حقوق، مدیریت و روانشناسی توسط جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی برگزار می‌گردد.



عناوین ایام الله دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی ۱۳۸۴

تاریخ	ایام هفته	مناسبت	عناوین
۸۴/۱۱/۱۲	چهارشنبه	دوم محرم الحرام، ورود امام حسین (ع) به کربلا، ورود امام خمینی (ره) به میهن اسلامی	انقلاب اسلامی، ولایت حسینی، امام خمینی و رهبری
۸۴/۱۱/۱۳	پنجشنبه	سوم محرم الحرام	انقلاب اسلامی، اندیشه حسینی، فرهنگ و تمدن اسلامی
۸۴/۱۱/۱۴	جمعه	چهارم محرم الحرام	انقلاب اسلامی، قیام حسینی، انتظار و احیای ارزشهای اسلامی
۸۴/۱۱/۱۵	شنبه	پنجم محرم الحرام	انقلاب اسلامی، رافت حسینی، مهرورزی و امید به آینده
۸۴/۱۱/۱۶	یکشنبه	ششم محرم الحرام	انقلاب اسلامی، عزت حسینی، همبستگی ملی، و مشارکت عمومی
۸۴/۱۱/۱۷	دوشنبه	هفتم محرم الحرام	انقلاب اسلامی، عدالت حسینی، دولت اسلامی و محرومیت زدایی
۸۴/۱۱/۱۸	سه شنبه	هشتم محرم الحرام، روز علی اکبر (ع)	انقلاب اسلامی، مکتب حسینی، جوانان و خودباوری
۸۴/۱۱/۱۹	چهارشنبه	نهم محرم الحرام (تاسوعا)، روز حضرت ابوالفضل (ع)، روز نیروی هوایی	انقلاب اسلامی، صلابت حسینی، بسیج نیروهای مسلح و اقتدار ملی
۸۴/۱۱/۲۰	پنجشنبه	دهم محرم الحرام (عاشورا) روز شهادت امام حسین (ع) و شام غریبان	انقلاب اسلامی، حماسه حسینی، ایثار، جهاد و شهادت
۸۴/۱۱/۲۱	جمعه	یازدهم محرم الحرام، حرکت اسراء به سمت کوفه، شکسته شدن حکومت نظامی	انقلاب اسلامی، پیام حسینی، پایداری و استکبار ستیزی
۸۴/۱۱/۲۲	شنبه	دوازدهم محرم الحرام، ورود به کوفه و روز شهادت امام سجاد (ع)، سومین روز شهادت امام حسین (ع)	انقلاب اسلامی، نهضت حسینی، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی

# ستاره

## همت

احمد خاوئی

دانشجوی جانباز ۲۵ درصد و ممتاز در رشته حقوق

آقای احمد خاوئی دانشجوی جانباز ۲۵ درصد رشته حقوق ورودی ۸۲ از دانشجویان ممتازی است که در نیمسال دوم ۸۵-۸۴ در مدت سه سال موفق به اخذ مدرک کارشناسی خواهد شد. و در طول تحصیل در بین دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشکده حقوق به عنوان دانشجوی ممتاز شناخته شده است. با ایشان بیشتر آشنا می شویم.

■ لطفا خود را از نظر تحصیلی و شخصی بیشتر معرفی کنید؟

بنده احمد خاوئی کارمند قوه قضائیه که سال ۱۳۵۸ با شروع درگیری‌های کردستان با یکسری از بچه‌های سپاه اعزام شدیم به آنجا تا ۳ مهر ۵۹ من کردستان بودم سوم مهر ۵۹ به مناطق جنوب، جنوب خرمشهر رفتیم.

■ از لحاظ تحصیلی و سنی در چه شرایطی قرار داشتید؟

من سال سوم ریاضی را گذرانده بودم وارد سال چهارم شدم که بحث انقلاب پیش آمد بعد هم تحصیلمان نیمه تمام ماند خب اون موقع اون منطقه واجب تربود به دلیل اینکه، فکر می کردیم با توجه به اینکه انقلاب تازه پیروز شده و هنوز نو پاست در گیری هایی که دارند به انقلاب تحصیل می کنند



اونایی که از کوچکی با آنها  
بزرگ شده بودم رفیق بودیم،  
همکلاسی بودیم همه رفتند  
فقط من و یکی از دوستانم ماندیم

# وتوکل

بودیم، همکلاسی بودیم همه رفتند فقط من و یکی از دوستانم ماندیم از بین چیزی حدود ۴۰، ۵۰ نفری که به کردستان اعزام شدیم فقط ما دو نفر ماندیم، بقیه یا اسیر شدند که تو اسارت به شهادت رسیدند یا شهید شدند. سال ۶۸ که تقریباً جنگ تمام شد تا حدودای پاییز ما در منطقه بودیم اومدیم تهران، سال ۶۹ بود که از دواج کردم. همان سال هم کنکور شرکت کردم. رتبه ۶۲۰ آوردم منتها با توجه به اشتباهی که در انتخاب رشته و کد داشتم قبول نشدم. سال ۸۲ تصمیم گرفتم جدی شرکت کنم گفتم منتها این بار رشته ام را تغییر می‌دم با توجه به اینکه کارم هم در ارتباط با حقوق بود تصمیم گرفتم در رشته علوم انسانی شرکت کنم ۵، ۶ ماه به طور مداوم خواندم یعنی در عین حال که کار می‌کردم بدون اینکه کلاس کنکور بروم، زمان می‌گذاشتم تا ساعت ۲، ۳ بعد از نصف شب می‌نشستم درس می‌خواندم شما حساب کنید توی یک خانه مستاجری ۳۰، ۴۰ متری یک اتاق بود بچه‌ها خواهند بخوانند من هم می‌خواستم درس بخوانم از جلسه کنکور که بیرون آمدم مطمئن بودم قبول می‌شوم اما فکر نمی‌کردم رتبه خوبی بیارم و دانشگاه خوبی قبول شم در عین حالی که داشتم فوق دیپلم رشته حسابداری دانشگاه جامع علمی

حضور بچه‌های تقریباً جوانی که خودشان در انقلاب نقشی داشتند واجب تر است البته منکر اینکه باید درس هم می‌خواندیم نبودم ولی احساس می‌کردیم که برای درس وقتش را داریم. به همین دلیل هم تحصیل رو گذاشتیم کنار و رفتیم کردستان و بعدش هم که رفتیم جنوب تا سال ۶۸ که حضرت امام قطعنامه را پذیرفتند بودند. تو مقطعی مثلاً برای درمان مجروحیت‌م به بیمارستان مراجعه می‌کردم اما تقریباً به طور مداوم توی منطقه بودم سال ۵۹ بود که از ناحیه کلیه و بازوی چپم مجروح شدم حدود یکماه بیمارستان بودم مجدداً اعزام شدم منطقه، سال ۶۳ از ناحیه ریه شیمیایی شدم مجدداً سال ۶۴ دچار موج شدم که دو تا از مهره‌هایم شکست. اما در مجموع با توجه به همه مشکلاتی که پیش آمده من فکر می‌کنم من کاری انجام ندادم چون فقط یک وظیفه بود که باید این وظیفه را عمل می‌کردیم حضرت امام (ره) همیشه توی صحبت‌هایشان می‌گفت: " شما نگوئید که انقلاب برای ما چه کرد، بگوئید ما برای انقلاب چه کردیم " ما واقعیت کاری برای انقلاب نکردیم یعنی الان افسوس می‌خورم که چرا بعد از جنگ زنده ماندم چون خیلی از دوستان من رفتند اونایی که از کوچکی با آنها بزرگ شده بودم رفیق



می‌پرسیدم. حالا بصورتی شده که یکسری بچه‌های جانباز شدند الگویی برای دانشجویان دیگر واقعا خیلی‌ها مشکلاتی دارند که از طریق ما حل می‌کند مسائل درسی و غیر درسی بچه‌های عادی و... اینجا برای ما حکم یک سنگر را دارد اونجا تو سنگر جبهه باید از یک لحاظ دیگر فعالیت می‌کردیم و اینجا باید از لحاظ علمی فعالیت کنیم و از لحاظ علمی الگو شویم و از نظر علمی خودمان را مطرح کنیم که حتی بچه‌های عادی نتوانند با ما رقابت کنند. با توجه به اینکه همه اینها مشکلات خاص خودشان را دارند بحث خانواده، بحث کارشان هست بحث درس هست و بحث بیماریشان هم هست مهمترین مسئله این که باید به خانواده اش هم برسد بحث اقتصادی هست بحث روحی هم هست باید به بچه هایش برسد. اما با این همه دانشجویان موفق هستند البته این درس خواندن ثمراتی هم برای فرد و خانواده دارد.

مثلا سری قبل که اسم من به عنوان نفر ممتاز در بین بچه‌های جانباز در مجله چاپ شده بود پسر من مجله رو برده بود مدرسه که خانم معلم نگاه کنید بابای من به عنوان نفر اول ایثارگران دانشکده شده که معلم تعجب کرده بود که که مگه میشه کسی تو این سن، ۴۰ سالگی درس بخواند یا مثلا بچه‌های جانبازی که در سنین بالا درس می‌خوانند چون واقعا کشتش ما کمتر از بچه‌های دانشگاه است.

■ هر ترم معدل بالای الف داشتید شما الان سال سوم هستید شنیدم که ۶ ترمه دارید تموم می‌کنید با توجه به مشکلاتی که دارید به عنوان پدر، مشغله کاری و... عوامل موفقیتتان را در چه می‌دانید؟

کاربرد می‌خواندم و یک ترم آنجا را گذراندم وقتی نتایج اولیه اعلام شد با یکی از دوستانم که در دانشگاه شهید بهشتی بود مشورت کردم. ایشان ۱۲ تا رشته از ۱۰۰ رشته را برایم انتخاب کردند بقیه را خط زدند اولین انتخاب که دانشگاه شهید بهشتی بود قبول شدم تصمیم گرفتم از این فرصت پیش آمده نهایت استفاده را بکنم.

ترم اول یکی از دانشجویان گفت: استاد این خانواده شهدا و جانبازان افراد بی‌سوادی هستند همینجوری بدون اینکه گزینش شوند آمدند دانشگاه که مدرک

### حالا بصورتی شده که یکسری بچه‌های جانباز شدند الگویی برای دانشجویان دیگر واقعا خیلی‌ها مشکلاتی دارند که از طریق ما حل می‌کند

بگیرند و بروند. و من پیش خودم گفتم آخر ترم همدیگر رو می‌بینم نتایج که اعلام شد به جرات می‌توانم قسم بخورم که نمراتم از او خیلی بیشتر شد با اینکه رتبه ۱۲ کشوری بود با اینکه پدرش استاد دانشگاه بود با اینکه برادرش در همین رشته رو درس می‌خواند بعد خودش آمد و گفت من یک معذرت خواهی به بچه‌های جانباز بدهکارم به دلیل اینکه فکر می‌کردم اینها بی‌سواندند. ولی ما از فرصتها استفاده کردیم، هر جا اشکالی پیش می‌آید از اساتید



اولین نکته‌ای را که می‌توانم به آن اشاره کنم اتکال به خداوند است یعنی ما معتقدیم که اول باید تلاش خود را بکنیم و بعد بقیه را به خداوند واگذار کنیم و به خداوند هم توکل کنیم نکته دوم اینکه سر کلاس یادداشت برداری می‌کنم و این یادداشت‌ها رو بعد از اینکه از اداره بر می‌گردم شب پاکنویس می‌کنم خب این خودش یک مرور است. این درس در ذهنم ملکه می‌شود و جلسه بعد قبل از کلاس هم یک مرور هم می‌کنم و سر کلاس بعدی با آمادگی حاضر می‌شوم و بعد این خودش خیلی نقش دارد چون می‌دانم که استاد چه مطلبی را می‌خواهد عنوان کند مجموعه دانشگاه مجموعه ستاد و همسرم در این موفقیت نقش بی‌سزایی داشتند یعنی ستاد با پشتیبانی که انجام می‌داده، با شیوه‌های تشویقی که ستاد بکار می‌برد و کلاسهای تقویتی که ستاد برگزار می‌کند اینها در مجموع در پیشبرد بچه‌های جانباز خیلی تاثیر دارد.

■ شما به عنوان یک دانشجو ۳ سال مشغول بودید نسبت به بچه‌های شاهد و ایثارگر هم شناخت پیدا کردید از دید یک دانشجوی موفق نقاط ضعف بچه‌هایی را که از نظر تحصیلی ضعیف هستند در چه می‌دانید؟

نقطه ضعف این جاست که بچه‌ها درس را جدی نگرفتند یعنی فکر می‌کنند که می‌توانند مثلاً اگر ۴ ساله نشده ۵ ساله. اگر نشد ۶ ساله درس را تمام کنند. ولی باید از این فرصتی که در اختیارشان گذاشته شده به نحو احسن استفاده کنند هنوز به این نرسیدند که درس مساله اصلی شود از طرف دیگر بعضی از بچه‌ها این ضعف را دارند که فکر می‌کنند فقط آمدن تو به دانشگاه مهم است. نه در حالی که فقط آمدن

واقعا هدف ما این بود که نظر دیگران نسبت به ما برگردد یعنی به این باور برسد که قصد ما از تحصیل چیز دیگری است ما می‌خواهیم از فرصتها استفاده مفید کنیم.

### ■ شما وظیفه یک دانشجو را در رابطه با درس و تحصیل چه می‌دانید؟

من فکر می‌کنم بچه‌ها با برنامه ریزی صحیح پیش بروند یعنی با اساتید مشاور در ستاد شاهد و ایثارگر مشورت کنند واحدهایی را انتخاب کنند که از پس آن بریابند یعنی طبق سر فصلی که دانشکده برای بچه‌های دانشجو در نظر گرفته پیش بروند و از فرصتهای خودشان استفاده کنند چون دروس ما به هم پیوسته است، وقتی فرد از ابتدای جلسه در کلاس می‌نشیند اگر وقت خود را به نحو احسن تنظیم کند و خودش را معطوف کلاس کند، بهترین نتیجه را می‌گیرد از حضور منظم در سر کلاس، به موقع آمدن و حضور یک سر داشتن چیزی حدود ۹۰٪ مطالب را سر کلاس یاد می‌گیرم ۱۰٪ بقیه با مطالعات خارج کلاس استفاده از منابع، کتابخانه، اینترنت حل می‌شود. هم سعی کنند که در طول ترم درسها را مرور کنند که مطالب در ذهنشان ملکه شود وقتی درسی چندین بار تکرار شود چندین بار مطالعه شود در سر جلسه امتحان هیچ دغدغه و اضطرابی ندارد. چون مطمئن هستند که درس را فهمیده‌اند به استدلالهای استاد توجه کند خیلی از اساتید به حضور فعال توجه می‌کنند. سوال را برای دانشجو مطرح می‌کنند حتی اگر جواب اشتباه بدهد استقبال می‌کنند و در بحث واردش می‌کنند منتهی بعضی از بچه‌ها متاسفانه خودشان را وارد بحث نمی‌کنند شاید

به دانشگاه ملاک نیست. موفق بودن در دانشگاه برای ما ملاک مهمتری است. وقتی ما یک دورنما و افق والایی را داشته باشیم آمدن به دانشگاه برای ما یک وسیله قلمداد می‌شود صرف فقط گذراندن دروس این نیست. من می‌خواهم اگر از دانشگاه فارغ التحصیل شدم توی کارم یک خبره باشم وقتی این هدف رو داشته‌م خب درس برایم مهم می‌شود. دارای ارزش می‌شود و بعد به عنوان یک هدف اصلی قلمداد می‌شد من توی ۵ روز هفته کاملا دانشگاه هستم و بعد فرصتهایی که خالی است از پایان نامه‌ها و

من توی ۵ روز هفته کاملا  
دانشگاه هستم و بعد  
فرصتهایی که خالی است  
از پایان نامه‌ها و کتابهای  
دانشگاه استفاده می‌کنم

کتابهای دانشگاه استفاده می‌کنم. بعضی از استادان نظرشان این است که حتی اگر جوابتون غلط باشد اما استدلالتان، استدلال حقوقی باشد ما می‌پذیریم یعنی می‌خواهد فرد کاربردی عمل کند. بچه‌های عادی دیوار بی اعتمادی بین خودشان و بچه‌های جانباز را شکستند الان به این نتیجه رسیدند که بچه‌های جانباز الگوی اینها شدند.

■ یعنی یکی دیگر از هدفهای شما تغییر افکار نسبت به توانایی‌های دانشجوی شاهد و ایثارگر است؟



را می‌دهم می‌بینم که طرف در کلاس شرکت داشته حضور مستمر داشته و به او کمک می‌کنم ولی بیشتر سعی می‌کنم به استدلالش توجه کنم و این فرد زمانی که استدلال می‌کند می‌فهمم درس را گرفته و به درس علاقه مند بوده و ما واقعا به این نتیجه رسیدیم که از صرف حفظ کردن و در جلسه امتحان حاضر شدن نتیجه‌ای نمی‌گیریم ما باید ببینیم سوالی که استاد از ما پرسیده چه هست.

### ■ و آخرین مطلب؟

به این نتیجه برسند که در قبال این فرصت به مردم و جامعه مسئولند و بعد با توجه به این که در مقابل جامعه دینی دارند سعی کنند از آن فرصت به نحو احسن استفاده کنند فقط به این فکر نکنند که مدرک بگیرند و فارغ التحصیل گردند به این نتیجه برسند که از فرصتشان چگونه استفاده کنند. اینجا دیگر اختیار جان مردم، آبروی مردم در دستشان است یعنی فرضا به عنوان مثال من اگر قاضی شوم می‌خواهم در رابطه با آبروی یک خانواده تصمیم بگیرم مسئولیت من سنگین می‌شود اینجاست که فقط داشتن مدرک مهم نیست اینکه من معلوماتش را داشته باشم که چه جوری از آن استفاده کنم اینکه حکمی که صادر می‌کنم مورد رضای خداوند باشد اگر به عنوان وکیل می‌خواهم فعالیت کنم به عنوان سر دفتر می‌خواهم فعالیت کنم در عین حال که رضای خداوند را در نظر دارم وجدان خودم را هم در نظر بگیرم واقعا کاری بکنم که جامعه از اقدام من در متضرر نگردد فقط دور نمای من رضایت خداوند باشد از فرصتها و امکاناتی که جامعه در اختیار من گذارده به نحو احسن استفاده کنم.

هم خیلی از جوابهایی که ما می‌دهیم اشتباه باشد ولی خوب وقتی استاد با روی باز از جوابهای ما استقبال می‌کند ما مکلف می‌شویم که جوابهای غلط را اصلاح کنیم و با مطالعاتمان به نتیجه برسیم.

### ■ در بین بچه‌های حقوق بسیار دیده شده است که می‌گویند من فکر می‌کردم در فلان درس مثلا ۱۷ یا ۱۸ بشوم اما ۱۱ شدم علت چیست؟

بچه‌های دانشجو ما متأسفانه فکر می‌کنند جوابی را که دادند جواب کاملی هست وقتی که استاد می‌گوید باید استدلال کنید استدلالشان بایستی حقوقی باشد یعنی مطلب را فهمیده باشند اگر حتی به جواب غلط برسند ولی استاد بفهمد که دانشجو مطلب را گرفته است قبول می‌کند فقط حقوق خوان نباشند بلکه حقوق دان باشند به این نتیجه اگر برسند موفق می‌شوند خیلی از اساتید تاکید می‌کنند روی این نکته که دانشجویان سعی کنید حقوق دان شوید از کارهایی که من انجام می‌دهم این است که بعد از اینکه هر قانونی تصویب می‌شود من مشروح مذاکرات مجلس را مطالعه می‌کنم که نقطه نظر نماینده مجلس که این قانون را تصویب کرده چیست آن نقطه نظر توی ذهنم می‌ماند چون قانون زوایای پنهانی دارد چون ما از قانون در کتاب ظاهرش را می‌بینیم اما وقتی مشروح مذاکراتش را می‌خوانیم به آن زوایای پنهان دسترسی پیدا می‌کنیم رشته حقوق یک رشته استنباطی و تجزیه تحلیلی ست. بعضی‌ها فکر می‌کنند اساتید نسبت به دانشجویان مغرضانه برخورد می‌کنند من این را قبول ندارم حتی یکی از اساتید می‌گفت من وقتی ورقه را تصحیح می‌کنم بالای ورقه را نگاه نمی‌کنم که اسم چه کسی است نمره استحقاق آن

## شبیه باران

## شهید علی اصغر زرین قدم

رشته تحصیلی | فلسفه

تاریخ و محل تولد | ۱۳۴۵ تهران

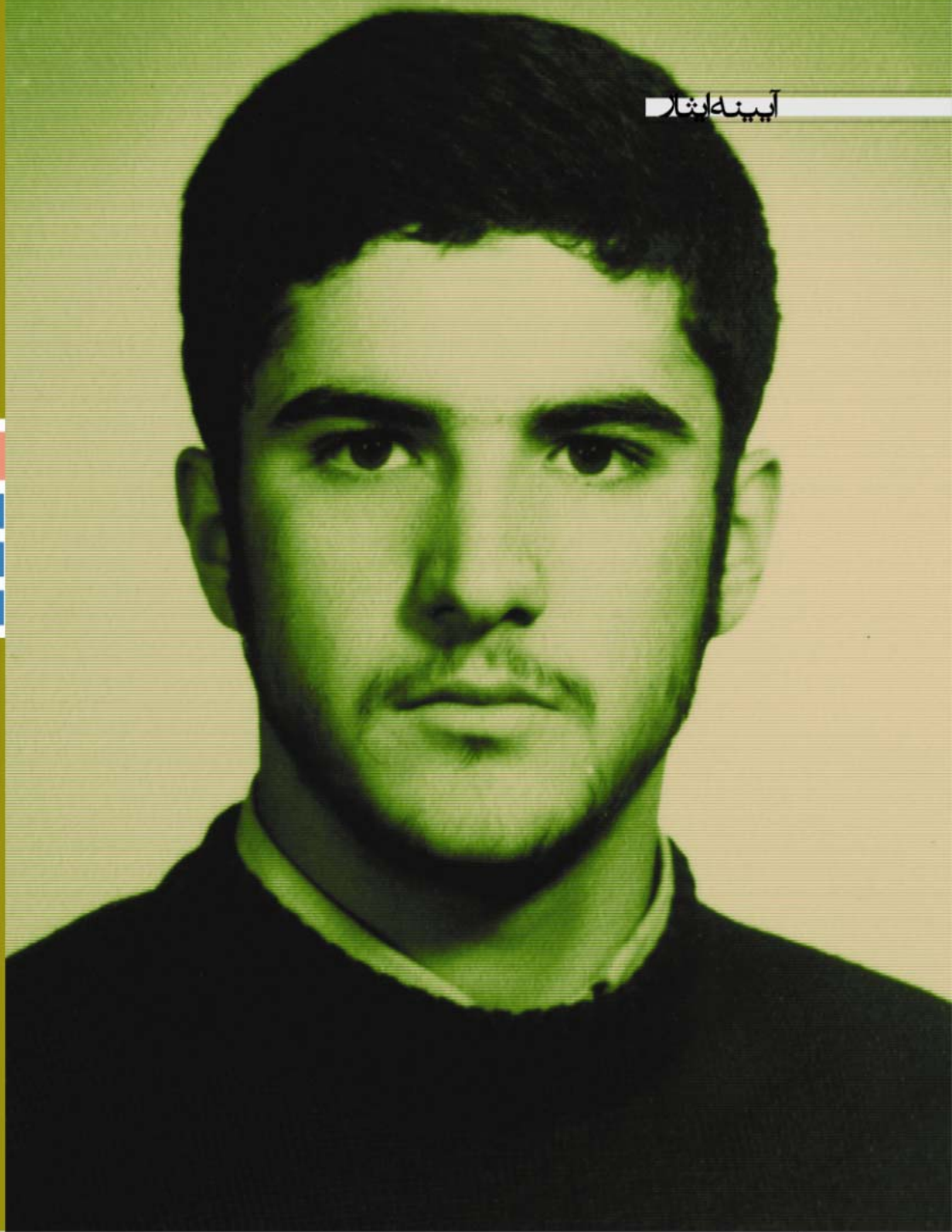
تاریخ و محل شهادت | ۵، ۱۳/۱۰/۶۵ شلمچه

نامش را به نشانه عرض ارادت به محضر مولایشان حسین (علیه السلام) علی اصغر نهادند در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود. مراحل تحصیلی مدرسه را با موفقیت طی کرد و بعد از اخذ دیپلم در رشته علوم انسانی موفق به ورود به دانشگاه شد. او که تحت تعلیمات والدین خود فلسفه وجودی در این جهان را خوب درک کرده بود رشته فلسفه را برگزید.

در سایه این درک و شناخت عمیق عاقبت این ستاره آسمان انقلاب اسلامی در حالی که فقط بیست بهار از زندگی را پشت سر گذاشته بود در عملیات کربلای ۵ (شلمچه) به دیدار یار شتافت.

شهید از زبان مادرش

علی اصغر هیچ وقت بدون وضو نمی خوابید. مادر شهید می گوید تازه به خانه جدیدمان آمده بودیم و هنوز آب گرم نداشتیم. من می دیدم هر شب





زمستان علی اصغر می‌رود بیرون و با آب سرد وضو می‌گیرد و می‌آید، دلم سوخت یک شب مانع شدم و گفتم امشب من نمی‌گذارم که بروی با آب سرد وضو بگیری، نگاهم کرد و خندید و گفت: چشم و رفت توی رختخوابش خوابید. من هم رفتم توی اتاق دیگری خوابیدم ولی مراقب او بودم ببینم چه کار می‌کند. بعد از چند دقیقه‌ای دیدم آهسته از رختخواب بیرون آمد و در را باز کرد و رفت وضو گرفت. خیلی ناراحت شدم گفتم چرا من باید مانع وضو گرفتن او می‌شدم با اینحال بلند شدم رفتم و نگاهش کردم و در حالیکه می‌خندیدم گفتم: اصغر جان! مادر عجب وضو نگرفتی! و هر دو خندیدیم.

در جای دیگر نقل می‌کند: اصغر هیچگاه نمی‌گذاشت ما به بدرقه اش برویم. وقتی از اتاق بیرون می‌امدم تا به بدرقه اش بروم آنقدر سریع پله‌ها را عبور می‌کرد که من به گردش هم نمی‌رسیدم. برای همین یک کاسه آب از همان پنجره آشپزخانه می‌ریختم پشت سرش، چند قدمی که رفته بود بر می‌گشت و در حالیکه می‌خندید می‌گفت: مادر یک کاسه آب کم است یک سطل آب بریز.

پدر علی اصغر زرین قدم از شهادت او اینگونه می‌گوید: تنها یک باری وقتی که می‌خواست اعزام شود اجازه داد که ما او را به ترمینال برسانیم از وقتی که رسیدیم تا وقتی که تا وقتی که می‌خواست برود فردی ما را زیر نظر داشت، بعد آمد و به من گفت: فرزند شماست؟ گفتم: بله و بعد گفت: واقعا چطور دلتان می‌آید از این بچه جدا شوید. گفتم: او سرباز رهبرش است. برای اطاعت امر او می‌رود. علی اصغر شوار شد و تا آخر که ماشینش از نظر دور می‌شد همچنان نگاهمان به هم متصل بود و انگار می‌دانستم که این آخرین نگاه است و ۱۵ روز دیگر تنها من به او نگاه می‌کنم و او...

فردا صبح بعد از او وقتی بعد از نماز صبح قرآن را برای تلاوت باز کردم دیدم نوشته:

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا...  
همین که این آیه را دیدم گفتم: لا اله الا الله خدایا خودت کمک کن. بعد بلند شدم مادر وی گفت: خواب دیده اصغر آمده و می‌گوید مادر فندانها را قند کن، فردا مهمان داریم، روضه حضرت رقیه بخوانید.  
وصیت نامه شهید علی اصغر زرین مقدم

بسم الله الرحمن الرحيم  
والذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضل اعمالهم  
کسانی که در راه خدا کشته شدند هرگز اعمالشان کم نخواهد شد و اجر و پاداششان ضایع نخواهد گشت.

اشهد ان الا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله

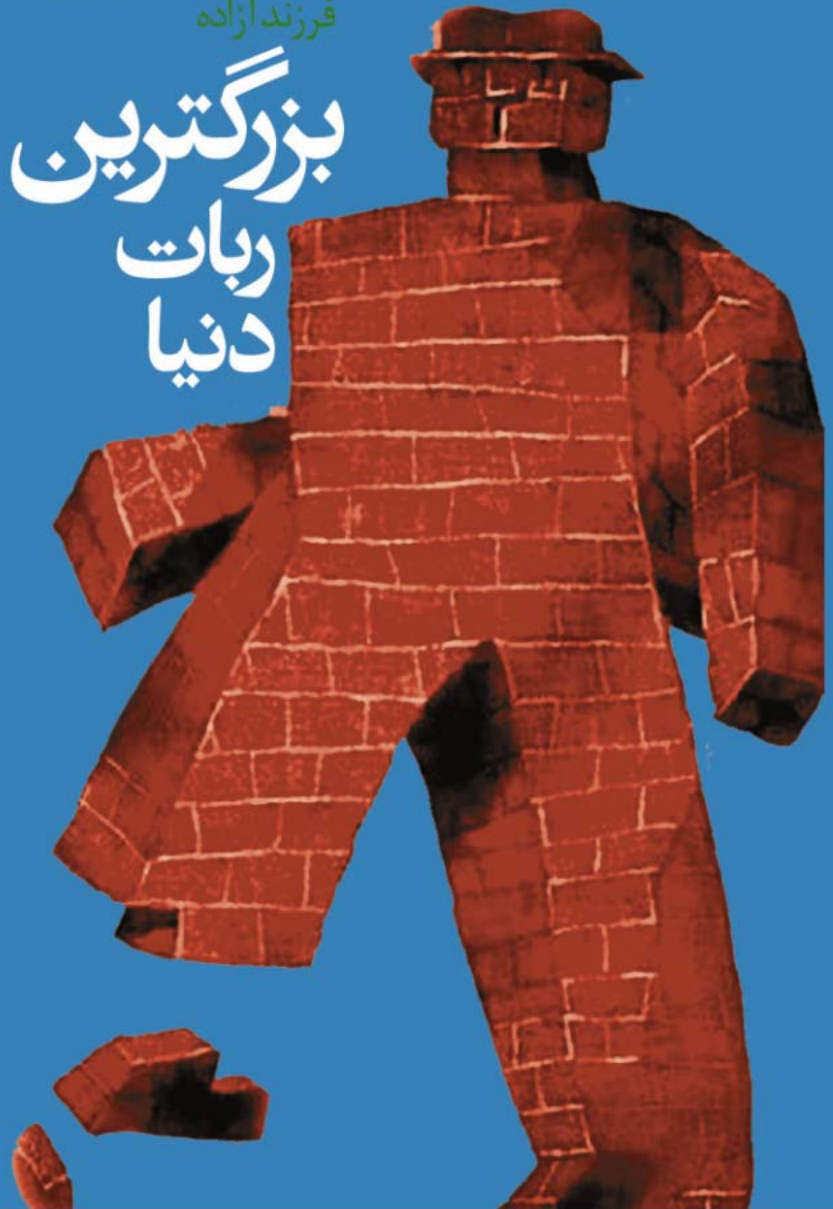
با امید به اینکه خداوند ما را با شهدا محشور کند و امام حسین (ع) شفیع ما قرار گیرد وصیت نامه‌ای می‌نویسم.

وصی اینجانب پدر عزیز و بزرگوارم و مجاهدم است و از او می‌خواهم که حدود یک ماه روزه و یک سال نماز برای من بخوانند و از همه برای من رضایت بطلبند. (مادر) شما الان مسولیت سنگینی به دوش دارید و باید از خونهای زیادی پاسداری کنید و مقدمه این کار این است که اول معرفت به این داشته باشید که این خونها در چه راهی و در چه جهت ریخته شده است اگر خدا را همان هدف اصلی است شناخته باشید اگر رسول او را شناخته باشید که دلیل خلقت است آن موقع است که می‌دانید که امام برای چه قیام کرده و این همه جوان از آن فساد بیرون آمده و با اخلاص به دنبال او افتاده و حتی خود را فدای او ا



مهندس غلامی  
دانشجوی رشته برق  
فرزند آزاده

# بزرگترین ربات دنیا



برنامه ریزی برای حفر بزرگترین تونل دنیا در کوه‌های آلپ از سال ۹۲ آغاز شد. این تونل که «گاتارد» نام دارد برای اتصال خط آهن سوئیس به خط آهن اروپا به خصوص کشور ایتالیا در دو خط موازی مجزا ساخته می‌شود. ساخت آن از سال ۲۰۰۱ در ۵ نقطه مجزا شروع شده و دو میلیارد فرانک سوئیس (حدود یک و نیم میلیارد دلار) هزینه خواهد داشت. برای حفر این تونل از ماشین‌هایی استفاده می‌شود که خاص این تونل طراحی شده‌اند و TBM-Tunneling Boring Machine نامیده می‌شوند قطر این ماشین ۹ متر و طول آن ۴۱۰ متر (یعنی ۴ تا زمین فوتبال کنار هم!) می‌باشد. این ماشین تمام کارهای مربوط به حفر تونل را با هم انجام می‌دهد.

## انواع ربات

ربات یک کلمه گرفته شده از کشور چکسلواکی و به معنی کارگر است. سابقه ساخت ربات به ۲۷۰ سال قبل از میلاد مسیح بر می‌گردد. زمانیکه یونانیان به ساخت مجسمه‌های متحرک می‌پرداختند. ربات‌های امروزی که شامل قطعات الکترونیکی و مکانیکی هستند در ابتدا به صورت بازوهای مکانیکی برای جابه جایی قطعات و یا کارهای ساده و تکراری که موجب خستگی و عدم تمرکز کارگرازده می‌شد، بوجود آوردند اینگونه ربات‌ها، جابجاگر (manipulator) نام دارند. جابه جاگرها معمولاً در نقطه ثابت و در فضای کاملاً کنترل شده در کارخانه نصب می‌شوند و به غیر از وظیفه‌ای که به خاطر آن طراحی می‌شوند قادر به انجام کار دیگری نیستند. نوع دیگر ربات‌ها که امروزه مورد توجه بیشتری است، ربات‌های متحرک هستند که مانند ربات‌های جابه جاگر در محیط ثابت و شرایط کنترل شده کار نمی‌کنند بلکه همانند موجودات زنده‌ای در دنیای واقعی و با شرایط واقعی زندگی می‌کنند و مسیر اتفاقاتی که ربات باید با آنها روبه رو شود از قبل مشخص نیست در این نوع ربات‌هاست که تکنیک‌های هوش مصنوعی میبایست در کنترلر (مغز ربات) به کار گرفته شود.

## کارنامه فعالیت‌های اداره کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر در نیمسال اول ۸۵-۸۴

- ستاد دانشجویان شاهد و ایثارگر در نیمسال اول ۸۴-۸۵، ۹ جلسه داشته است که ۲۲۴ پرونده مورد بررسی قرار گرفته است از این تعداد ۱۲۵ مورد حذف درس، ۹ مورد حذف ترم، ۱۶ مورد اعمال تبصره الحاقی به ماده ۱۴، ۱۷ مورد اعمال تبصره الحاقی به ماده ۲۶، ۱۲ مورد اعطاء سنوات، ۲۲ مورد ارسال به کمیسیون موارد خاص دانشگاه و ما بقی درخواست‌های متفرقه بوده است.
- واحد مشاوره غیر آموزشی مستقر در محل اداره کل، با مراجعه ۱۰۲ دانشجو در زمینه مسائل روحی، روانی، خانوادگی، ازدواج و... در نیمسال اول ۸۴-۸۵، نیمسال نسبتاً فعالی را پشت سر گذاشته است.
- در نیمسال اول ۸۴-۸۵، کمیسیون موارد خاص دانشگاه ۸ جلسه داشته است که ۴۰ پرونده دانشجویان شاهد و ایثارگر مطرح و بررسی گردیده است. مصوبات شامل ۲۳ مورد بازگشت به تحصیل، ۲ مورد انتقال به دانشگاه‌های دیگر، ۲۰ مورد اعطاء سنوات تحصیلی و یک مورد ارسال پرونده به کمیسیون موارد خاص مرکز
- واحد فرهنگی برنامه‌های زیر را در کارنامه نیمسال اول ۸۴-۸۵ خود دارد:
  - اردوی فرهنگی زیارتی معارفه دانشجویان شاهد و ایثارگر به مشهد مقدس در دو مرحله به استعداد ۱۲۰ دانشجو
  - بن اعطاء کتاب نیمسال اول ۸۴-۸۵ به ۵۴۶ نفر در دوره‌های مختلف تحصیلی
  - برگزاری هفدهمین گردهمایی دانشجویان شاهد و ایثارگر تجلیل از ۵۸ دانشجو برگزیده
  - تهیه و تحویل کتابهای درسی به دانشجویان جانباز رشته حقوق با ۵۰٪ تخفیف
  - برگزاری مراسم افطاری در ماه مبارک رمضان و شرکت ۶۰۰ نفر دانشجو
  - ۱۵۹ دانشجو شاهد و ایثارگر ورودی ۸۴ در نیمسال اول ۸۴-۸۵ در واحد بایگانی تشکیل پرونده داده‌اند که ۱۳۰ نفر در دوره کارشناسی، ۲۰ نفر دوره کارشناسی ارشد و یک نفر در دوره دکتری و ۹ نفر دانشجو انتقالی از دانشگاه‌های دیگر بوده‌اند.

## نابوااعات

برابر اطلاع سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران شمال شرق تهران میزان کمک هزینه تحصیلی کلیه مشمولین و مقاطع در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ به شرح زیر اعلام شده است. میزان کمک هزینه تحصیلی کلیه مشمولین و مقاطع در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ بر اساس هزینه در دو گروه یک و دو «مبالغ به ریال»

کمک هزینه تحصیلی گروه یک		کمک هزینه تحصیلی گروه		مقاطع	مشمولین
مذکر متاهل	مذکر و اناث مجرد	مذکر متاهل	مذکر و اناث مجرد		
۱/۴۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰	کاردانی و کارشناسی	فرزند و همسر شهید
۱/۷۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	ارشد پیوسته، دکترای حرفه‌ای و ارشد ناپیوسته و دکترای پیوسته	+ جانبازان ۷۰٪ به بالا و همسر و فرزندان + فرزندان شهید
۷/۰۰۰/۰۰۰	۱/۴۰۰/۰۰۰	۱/۸۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰	دکترای تخصص پزشکی، غیر پزشکی، فوق تخصص و فلو شیب	
۱/۰۵۰/۰۰۰	۷۵۰/۰۰۰	۹۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	کاردانی و کارشناسی	آزاده و همسر و فرزندان + جانبازان ۵۰ تا ۶۹٪ و همسر
۱/۳۰۰/۰۰۰	۹۰۰/۰۰۰	۱/۱۵۰/۰۰۰	۷۵۰/۰۰۰	ارشد پیوسته، دکترای حرفه‌ای و ارشد ناپیوسته و دکترای پیوسته	و فرزندان + جانبازان ۲۵٪ تا ۴۹٪
۱/۵۰۰/۰۰۰	۱/۰۵۰/۰۰۰	۱/۳۵۰/۰۰۰	۹۰۰/۰۰۰	دکترای تخصص پزشکی، غیر پزشکی، فوق تخصص و فلو شیب	
۵۵۰/۰۰۰	۴۰۰/۰۰۰	۴۵۰/۰۰۰	۳۰۰/۰۰۰	کاردانی و کارشناسی	فرزندان و همسر جانبازان ۲۵٪ الی ۴۹٪
۷۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۴۰۰/۰۰۰	ارشد پیوسته، دکترای حرفه‌ای و ارشد ناپیوسته و دکترای پیوسته	
۸۵۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۷۵۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰	دکترای تخصص پزشکی، غیر پزشکی، فوق تخصص و فلو شیب	



کمک هزینه تحصیلی که برای کارشناسی پیوسته ده نیمسال و برای کارشناسی ارشد پیوسته چهارده نیمسال و برای کارشناسی ارشد ناپیوسته شش نیمسال تحصیلی منظور شده است.

■ به افرادی که دارای مدرک تحصیلی در یکی از مقاطع عالی تحصیلی می‌باشند و مجدداً تصمیم به تحصیل در همان مقطع یا مقطع پائین‌تر دارند کمک هزینه تعلق نمی‌گیرد.

■ دانشجویان دارای چند ویژگی (فرزند شهید، جانباز و آزاده) صرفاً از یک طریق تسهیلات دریافت خواهند نمود.

■ کمک هزینه و شهریه تحصیلی همسر و فرزند جانبازان متوفی ۲۵٪ الی ۶۹٪ از مزایای یک رده بالاتر محاسبه خواهد شد.

ساعات حضور اساتید مشاور غیر آموزشی در نیمسال دوم ۸۵-۸۴

نام استاد	ایام هفته	ساعت حضور ۸۵ - ۲/۸۴
آقای دکتر خوش‌کنش	شنبه	۱۴-۱۵/۳۰
خانم دکتر فردوسی پور	یکشنبه	۱۴-۱۶
آقای دکتر نورانی پور	دوشنبه	۹/۳۰-۱۱/۳۰
آقای دکتر پرچمی	سه شنبه	۱۴-۱۶
آقای دکتر آقامیری	همه روزه	باماهنگی قبلی
آقای دکتر مسعود شریفی	چهارشنبه	۱۵-۱۶
خانم دکتر حاجبی (مشاوره پزشکی)	دوشنبه سه شنبه	۱۲-۱۴ ۱۰-۱۲
دکتر مهدوی	سه شنبه یک هفته در میان	۱۲-۱۳ ۱۳-۱۶

### الف) رشته‌های گروه یک

۱- الف) کلیه رشته‌ها در مقطع دکترای تخصصی پزشکی و غیر پزشکی

۲- الف) دکترای حرفه‌ای (پزشکی، دندانپزشکی، دامپزشکی، داروسازی)

۳- الف) رشته‌های دکترای پیوسته (بیوتکنولوژی، فیزیک و ریاضی)

۴- الف) رشته‌ها و گرایش‌های کامپیوتر، گرافیک، ارتباط تصویری، عکاسی، معماری، طراحی صنعتی، نقاشی، طراحی پارچه و لباس، صنایع دستی، هنرهای تجسمی، فرش، تکنولوژی طراحی دوخت، معدن، باستان‌شناسی در مقاطع کاردانی، کارشناسی پیوسته و ناپیوسته و کارشناسی ارشد پیوسته و ناپیوسته

### ب) رشته‌های گروه دو

سایر رشته‌ها در مقاطع کارادانی و کارشناسی اعم از پیوسته و ناپیوسته و کارشناسی ارشد پیوسته و ناپیوسته

تذکر

■ کمک هزینه تحصیلی به دانشجویانی که در مراکز آموزش عالی دولتی (روزانه) شاغل به تحصیل می‌باشند تعلق می‌گیرد.

■ پرداخت کمک هزینه تحصیلی منوط به اخذ حداقل واحدهای مجاز به عنوان دانشجوی تمام وقت (بر اساس آئین نامه آموزشی دانشجویان شاهد و ایثارگر حداقل ۱۰ واحد در یک ترم) به استثنای آخرین نیمسال تحصیلی در طول مدت استفاده از



دانشکده ادبیات و علوم انسانی